



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۶۷

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

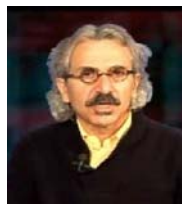
Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com) چهارشنبه ها منتشر میشود ۱ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۱۰ شهریور ۱۳۸۹

## تحولات در عراق، در منطقه، نگاهی به کشمکش قطبهای تروریستی



با هیات دائر حزب  
علی جوادی، آذر ماجدی،  
سیاوش دانشور



صفحه ۳



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

## بارقه های جنبش ضد فقر

۱۰ اکتبر، روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی اعدام

### 10 اکتبر را به روز اعتراض

علیه رژیم صد هزار اعدام اسلامی بدل کنیم!

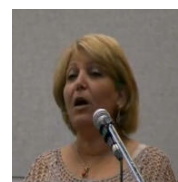
صفحه ۸

گفتگو با آذر ماجدی

یادمان هست در سوم خرداد، "روز آزادی خرمشهر"، کارگران بیکار و گرسنه برسر احمدی نژاد فریاد قدرتمند "بیکاری، بیکاری" کشیدند. آنروز در همین ستون گفتیم که این فریاد اعلام موجودیت علنی جنبش توده ای علیه فقر است که بزودی در هر گوشه ایران صدایش را بلند خواهد کرد. جنبشی که بنا به ظرفیتهایش آینده و چهارچوب سیاست را بشدت تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. همینطور بارها تاکید کردیم که حکومت اسلامی با اجرای سیاست حذف سوبسیدها با تکانهای شدید و غیر قابل پیش بینی روبرو میشود. پیامدهائی که این طرح و اجرای آن در چهارچوب شرایط سیاسی ایران برای جمهوری اسلامی دارد، حتی میتواند کلا اجرای آن را به تعلیق بیاندارد. تاکید کردیم که دعوای حکومتی برسر نفس این طرح نیست، برسر نحوه اجرای آن و روشی بود که جامعه "متوجه نشود" و به گرانی و فقر شدید بطور تدریجی "عادت کند". این تزیینی بود که نگران از پیامدهای سیاسی طرح شوک اقتصادی بودند. دولت اجرای این طرح را به نیمه دوم سال جاری موکول کرد. در دو هفته اخیر بحث گرانی مصنوعی و گرانی از اجرای این طرح میان مردم زحمتکش، و همینطور جنب و جوش دلالان و محتکرین و باندهای بازار سیاه بگوش میرسید.

اجرای آزمایشی و خزنده طرح حذف سوبسیدها ("هدفمند کردن یارانه ها") با واکنشهای جدی در استانهای گیلان و مازندران روبرو شد. اخبار منتشر شده از اعتراض گسترده مردم به افزایش بیسابقه هزینه برق خبر میدهند. مردم در واکنش به

صفحه ۲



## جهانی شدن اسلام سیاسی و تاثیر آن بر حقوق زنان

صفحه ۱۰

گفت و گوی شهروند با هما ارجمند

ارزیابی از یکسال فعالیت  
شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه  
مردم ایران - استکھلم

## "یهودی تبار" در دادگاه سوسیالیسم اسلامی راه توده

صفحه ۲۰

سیاوش دانشور

## خانم رهنورد کدام آیات؟ کدام شواهد تاریخی؟

در جواب زهرا رهنورد در  
خصوص قوانین اصلاح  
خانواده

روزبه بیات صفحه ۱۸

در صفحات دیگر: کارگران سیکو پارس خودرو، معلمان منطقه ۵ تهران، فراخوان به تظاهرات: برای یک سیستم آموزشی سکولار، بیانیه حزب در باره جنگ، و ستون آخر.

## بارقه های جنبش ضد فقر ...

"خطر جنبش سرخ" اعلام خطر کرده اند. آنها میدانند کارگران و مردم زحمتکش سکوت نخواهند کرد. سکوت کردن ممکن نیست. جمهوری اسلامی در اجرای این طرح معضلات عدیده و ضعفهای اساسی دارد. هیچ کسی را نمیتوان برای مدت طولانی به فقر و اختناق محکوم کرد. این عملی نیست.

جنبش ضد فقر در ایران مثل یک بمب ساعتی است که به سمت انفجار میرود. آنچه در هفته های اخیر در شهرهای مازندران و فقط در واکنش به افزایش قیمت برق دیدیم، نوک کوه یخ است. بالا بردن قیمت مواد سوختی، نان و دارو و وسائل مورد نیاز مردم، نپرداختن حقوق ناچیز کارگران و همزمان قلدری نظامی، دوامی ندارد. جنبش علیه فقر باید یک نه محکم به این وضعیت بگوید و پرچم رفاه همگان را برافرازد.

یک وجه اساسی طرح حذف سوبسیدها سیاسی است. این طرح در عین حال سیاستی برای به زانو درآوردن طبقه کارگر و تداوم حاکمیت ننگین سرمایه داران گردن کلفت اسلامی است. در مقابل سیاست فقر و فلاکت اسلامی، طبقه کارگر و مردم محروم برای دفاع از موجودیت خود راهی جز مقاومت و درهم شکستن این تهاجم ندارند. در محلهای کار و زندگی متحد شوید، سازمانهای توده ای و شورائی تان را ایجاد کنید، و در هر گوشه و با هر شکل مقدور علیه اجرای سیاست فقر و اختناق بایستید. با پرچم نه به فقر، نه به اختناق، برای آزادی و رفاه همگان بمیدان بیایند! \*

را صادر کند. چنین دولتی خود را در مقابل نیروی میلیونی جنبش علیه فقر و اختناق خواهد دید.

سازماندهی توده ای و در گامهای اول ایجاد یک توافق و آمادگی و باور عمومی در محلات کارگری برای مقابله با طرح ضد کارگری حذف سوبسیدها بسیار کلیدی است. این کار کمونیستها و سوسیالیستها و رهبران و پیشروان طبقه کارگر است. اگر همه در جاهای مختلف قبض برق و گاز را نپردازند، حکومت هیچ غلطی نمیتواند بکند. شعار کارگران باید لغو طرح حذف سوبسیدها و موظف شدن دولت به تامین و ارائه کالاهای اساسی با نرخ متناسب با حقوق ها باشد. نه فقط کارگران نباید زیر بار افزایش قیمتها بروند بلکه شعار و خواست شان حق برخورداری از معیشت و منزلت و یک زندگی مرفه است.

اگر کار نیست باید بیمه بیکاری پرداخت کنند؛ یا کار یا بیمه بیکاری! اگر نرخ بنزین و گاز و برق و مواد سوختی را بالا میبرند باید حقوقها متناسب با امکان قدرت خرید کارگران و مردم زحمتکش بالا رود. اگر حقوق ها را نمیبپردازند نباید انتظار داشته باشند که کارگر برایشان پول چاپ کند و تحویلشان بدهد. اگر فکر میکنند در متن بیکاری وسیع و بیکارسازیهای وسیع تر پیش رو بدلیل تشدید بحران اقتصادی قرار است کارگران و خانواده هایشان در پارکها و گوشه خیابانها و کوچه ها بخوابند و صدایشان درنیاید، کور خوانده اند. آنها قیلتز مانور "ضد تظاهرات کارگری" را برگزار کرده اند. آنها بسیار قیلتز در باره

افراطی است که اجرای آن در کشورهای دیگر موجب نابودی یک نسل از طبقه کارگر شده است. شاگردان اسلامی ملتون فریدمن در ایران همان کاری را میخواهند بکنند که قبلا همپالگی هایشان در کشورهایی مانند شیلی و اندونزی و اخیرا در مصر و جاهای دیگر مشغول اجرای آنند. مشکل اجرای این طرح در ایران اینست که مستلزم حکومتی است که معضل بحران سیاسی و عدم ثبات نداشته باشد. جمهوری اسلامی چنین حکومتی نیست. با اینحال جمهوری اسلامی دو دهه است که تلاش میکند مسیر این نسخه اقتصادی را هموار کند و به فراخور حالش مرتبا در این مسیر گام گذاشته است.

راه حل به شکست کشاندن این طرح و عقب نشینی دولت، سازماندهی یک مقاومت گسترده و اجتماعی است. کارگران دقیقا با این منطق ساده که همانطور که سرمایه دار و کارفرما ظاهرا حق دارد حقوق کارگر را چند ماه چند ماه ندهد، ما هم حق داریم که قبض برق و گاز و کرایه خانه را چند ماه چند ماه ندهیم. همانطور که دولت مامور و نیروی انتظامی نمیفرستد که حاجی پاسدار فلانی را در شرکت بدلیل نپرداختن حقوق کارگران دستگیر کند، دولت حق ندارد که برای نپرداختن قبض ها نیروی سرکوب سراغ مردم بفرستد. کرایه خانه و پول گاز و برق را وقتی پرداخت میکنند که منبع درآمدی موجود باشد. وقتی نه حقوق میدهند و نه در صورت اخراج بیمه بیکاری وجود دارد، وقتی کارگر و خانواده کارگری از زندگی ساقط شدند، دولت نمیتواند حکم مرگ و خیابان خوابی دسته جمعی ما

گرانی سرسام آور پول برق مصرفی در شهرهای مختلف اعتراض کردند و بلافاصله تاکتیک درست و هوشیارانه "پرداخت نمیکنیم" را اتخاذ کرده اند. این اعتراض در ادامه خود با کتک خوردن ماموران اداره برق تکمیل شد. ماموران اداره برق قصد داشتند برق اماکنی که پول برق را پرداخت نکردند را قطع کنند که کار را به دخالت نیروی انتظامی میکشاند.

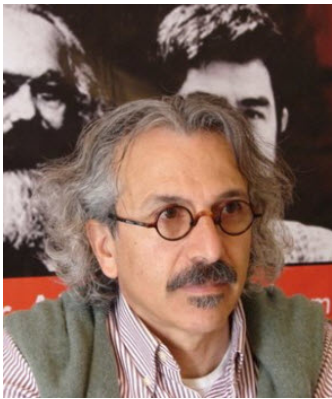
### کارگران، مردم زحمتکش!

در مورد این طرح بحث زیاد شده است. خیلی ساده قرار است مردم کالاهای اساسی شان را چند برابر بخرند و در طول چند سال نرخ ها شبیه بازار اروپا باشد. یعنی مردم با نرخ ریال حقوق بگیرند و با نرخ دلار خرید بکنند. این در حالی است که دستمزدها هنوز سه برابر زیر خط فقر اند، در یکسال گذشته یک میلیون کارگر بیکار شده و بیش از یک میلیون نیروی آماده بکار به بازار کار آمده که اقتصاد ورشکسته و بحران زده سرمایه داری ایران کاری برایشان ندارد. حقوق کارگران از چند ماه تا یکسال و در مواردی بیشتر در گرو سرمایه داران است که یا در حسابهای بانکی شان نگه داشتند و سودش را میبرند و یا در بازار بورس با آن قمار میکنند. فرزند کارگر و خانواده کارگری هم در گرسنگی و بیماری و نداری رنج میکشد.

جمهوری اسلامی برای تخفیف بحران اقتصادی مثل هر دولت سرمایه داری یک راه حل دارد: شکستن بار بحران روی دوش نحیف طبقه کارگر، از جیب کارگران درآوردن و به جیب سرمایه داران ریختن. طرح حذف سوبسیدها نه جدید است و نه "اسلامی". این نسخه کهنه و خونین بانک جهانی و راست

## تحریم اقتصادی یک سلاح کشتار جمعی است!

### نه به فقر، نه به اختناق، برای آزادی و رفاه همگان!



## تحولات در عراق، در منطقه، نگاهی به کشمکش قطبهای تروریستی

با هیات دائر حزب

علی جوادی، آذر ماجدی، سیاوش دانشور

عراق کاملا در پرده ابهام قرار دارد.

**یک دنیای بهتر:** تبلیغات و توجیهات جنگی آمریکا محورهای خاصی را دنبال میکرد: آزادی عراق از شر دیکتاتوری صدام، استقرار دموکراسی در خاورمیانه، جلوگیری از دستیابی صدام به سلاحهای کشتار دسته جمعی از جمله تمهای اصلی توجیهات این جنگ بودند. چه بر سر این تبلیغات آمد؟ این اهداف در "عمل" چگونه پیش برده شدند؟ اکنون چه بر سر این تبلیغات آمده است؟

**آذر ماجدی:** پوچی و دروغ بودن این تبلیغات حتی پیش از آغاز حمله نظامی، زمانیکه میلیون ها نفر در سراسر دنیا در اعتراض به این جنگ به خیابان ها آمدند، برای اکثریت مردم جهان آشکار بود. و مدت کوتاهی پس از حمله نظامی در سطح رسمی خود دولت های درگیر دروغ و ساختگی بودن وجود سلاح های کشتار دستجمعی در عراق افشاء شد. یک واقعه تکان دهنده و تأثیر آور اینجاست که این اولین جنگ امپریالیستی بود که قبل از آغاز با چنین اعتراض وسیع و جهانی روبرو شد، اما علیرغم این اعتراض وسیع و توده ای چه در کشور خودی و چه در سطح بین المللی، دولت های آمریکا و بریتانیا به این اعتراضات واقعی نگذاشتند و وحشیانه به عراق حمله کردند. در یکی دو ماه قبل از آغاز حمله نظامی، بویژه شهرهای

اما مسائلی که در پس این جنگ باید حل و فصل میشد الزاما به موقعیت هژمونیک آمریکا در منطقه محدود نمیشد. تحکیم موقعیت تک ابر قدرتی آمریکا باید در قبال نیروهای اصلی رقیب در سطح جهانی صورت میگرفت. کلا جهان باید مرعوب این لشگرکشی و آدمکشی میکشد. بی جهت نبود که یک نمایش عظیم از قدرت آتش و خون را ماشین نظامی آمریکا به نمایش گذاشت و تمام این فاجعه را "زنده" در معرض رویت همگان بمنظور ارباب تروریستی جهان قرار دادند.

در پس این جنگ آمریکا باید نشان میداد که قادر است هر نیروی متخاصمی را از صحنه قدرت سیاسی حذف کند. عراق صحنه عملیات نظامی بود، اما اهداف سیاسی و نظامی آمریکا به عراق محدود نمیشد. تلاشی برای باز تعریف جغرافیای سیاسی این منطقه و تثبیت هژمونی آمریکا در قبال رقبای جهانی در دستور بود.

به چه اهدافی دست یافتند؟ توانستند یک جامعه و کشور را به نابودی بکشانند و دهها سال آن را به عقب برگردانند. توانستند یک فاجعه بشری دیگر را بر تاریخ پر از خون و جنایت سرمایه جهانی بیفزایند. بیش از یک میلیون کشته ثمره این جنگ خونین بود. کشوری را تماما اشغال کردند. رقیب محلی خود را از صحنه سیاست حذف و سرکردگان آن را اعدام کردند. اما با معضلات پیچیده تری مواجه شدند. اسلام سیاسی در پس این تغییر و تحولات زمین فراخ تری برای جولان سیاسی پیدا کرد. عراق به "مکه" تروریسم اسلامی تبدیل شد. آمریکا اکنون با مصافهای پیچیده تری دست به گریبان است. آینده

شد. تعادل سیاسی پیشین در سطح جهان و همچنین در سطح منطقه بهم خورده بود. دولت صدام و ناسیونالیسم ملیتانت عرب نیز در تلاش برای گسترش موقعیت سیاسی خود در کشورهای عرب زبان و همچنین حوزه خلیج تلاشهای ویژه ای را در این زمینه دنبال میکرد. جنگ هشت ساله ایران و عراق یک تقابل منطقه ای در این چهارچوب بود. حمله عراق به کویت که اتفاقا با "چراغ سبز" آمریکا صورت گرفت عرصه دیگری از کشمکشهای منطقه ای بود. اما برای آمریکا حمله عراق به کویت تبدیل به بهانه ای برای پیشبرد سیاست عمومی آمریکا در این منطقه شد. جنگ اول خلیج یک تلاش وحشیانه بمنظور پیشبرد این سیاست استراتژیک آمریکا و پرده اول این تقابل بود. تحریم اقتصادی عراق و کشتار دسته جمعی چند صد هزار نفر در اثر سیاست تحریم اقتصادی را شاید بتوان پرده دوم این کشمکش لقب داد.

و بالاخره ماشین نظامی - سیاسی آمریکا پس از فاجعه خونین ۱۱ سپتامبر و تعرض اسلام سیاسی به مراکز تجاری در قلب این کشور، عراق را نشانه گرفت. دولت عراق به این فاجعه "متصل" شد. بهانه دستیابی به سلاح کشتار دسته جمعی را نیز به این مجموعه اضافه کردند و یک تهاجم خونین را سازمان دادند. به این اعتبار "جنگ" و "عراق" در محور سیاست بین المللی آمریکا قرار گرفتند.

**یک دنیای بهتر:** یک دنیای بهتر: آمریکا پس از هفت سال و نیم نیروی "عملیاتی" نظامی خود را از عراق خارج کرده است. اما اعلام کرده است که ۵۰ هزار نفر نیروی پشتیبانی و لجستیک آن در عراق باقی خواهد ماند. باید به این "تجربه" بطور فشرده نگاهی انداخت. چرا جنگ؟ چرا عراق؟ چه اهدافی در پس این جنگ خونین دنبال میشد؟ به چه اهدافی دست یافتند؟

**علی جوادی:** آنچه آمریکا در عراق "باقی میگذارد" در حقیقت نیرویی برای تامین حضور نظامی آمریکا در عراق و در این گوشه از خاورمیانه است. این اقدام بنوعی تداوم سیاست عمومی نظامی آمریکا در اروپا و کره جنوبی پس از جنگ در این مناطق است. نوعی حضور دراز مدت تر نظامی، است. اما چرا جنگ؟ و چرا عراق؟

ملیتاریسم یک رکن عمومی سیاست آمریکا است. و این ملیتاریسم برای ادامه تامین و با تحکیم هژمونی سیاسی این تک ابر قدرت جهان معاصر نیازمند جنگ و عملیات نظامی است. جنگ عراق به این اعتبار در نقشه عمومی این نیرو در فردای پس از جنگ سرد قرار داشت. کلا سقوط بلوک شرق حوزه های متفاوتی از کشمکش و تنش را در مناطق خارج از نفوذ و سلطه سیاسی آمریکا بوجود آورد. عراق یکی از این حوزه ها بود. در دوران جنگ سرد این کشور در حوزه نفوذ شوروی قرار داشت. پس از سقوط بلوک شرق مساله موقعیت سیاسی آمریکا در این منطقه به یک مساله مفتوح تبدیل



بسیاری از جنگهای مهم آمریکا را دمکراتها رهبری کرده اند. اما تا به سیاست هائی که منشا و محرک حمله به عراق بودند، این سیاستها در تقابل با واقعیات ریشه دار و روندهای سیاسی و اقتصادی دنیای امروز شکست خوردند. آمریکا نه فقط استراتژی جهانی اش شکست خورد، نه فقط استراتژی خاورمیانه بزرگ در محاق است، بلکه شکست در عراق و افغانستان هم تدریجا پذیرفته شد. اما آمریکا بدون سهم و غنائم جنگی نبوده است. به هر حال سیاست میلیتاریستی توانست جنگها و بمبارانهای مهیب و قتل عام وسیع را در جلو چشم میلیاردها انسان روی صحنه بیاورد. بالاخره توانست یک کشور مانند عراق را تماما نابود و هر گوشه عراق و افغانستان را به میدان جنگ تبدیل کند. بالاخره توانست کنترل نفت عراق را در دست گیرد و بازسازی کشور ویران عراق توسط موشکها و بمبهای خود را بدست شرکتیهای آمریکائی بسپارد. طوری که داد مونتلفینش را درآورد. اینها و تامین حضور نظامی وسیع در منطقه و انواع پایگاههای نظامی که منطقه را قرق کرده اند، همه از زاویه منافع استراتژیک آمریکا دستاورد محسوب میشوند.

آمریکا امروز در مقابل اسلام سیاسی نیز موقعیت ضعیفی دارد. سرنگونی صدام به تقویت و قدرت اسلام سیاسی در عراق منجر شد. خود آمریکا مشوق قدرتگیری جناح دیگری از اسلام سیاسی بود که ضد آمریکا نیست. در افغانستان نیز همان جمهوری اسلامی و لویه جرگه مشتی مرتجع و تروریست و قاتل را به مردم تحمیل

صفحه ۵

## تحولات در عراق، در منطقه، نگاهی به کشمکش قطبهای تروریستی ...

جنگ عراق چه تغییری در موقعیت جهانی آمریکا ایجاد کرد؟ اکنون کجا ایستاده اند؟ آیا موفق شدند؟ آیا شکست خوردند؟

**سیاوش دانشور:** حمله به عراق بدنبال سقوط شوروی و عاشورای "پایان تاریخ"، طلوع خونین "نظم نوین جهانی" و دورخیز آمریکا برای تثبیت رهبری خود بر جهان سرمایه داری بود. حتی قبل از حمله دوم به عراق، تر نظم نوین جهانی در محاق رفته بود و کشمکش برای شکل دادن به جهان چند قطبی و پایان ابر قدرتی آمریکا آغاز شده بود. روندی که هنوز ادامه دارد و به فرجام نهائی خود نرسیده است. این سیاستهای آمریکا در دور دوم حکومت نئوکنسرواتیوها و بوش شکست خوردند. نه فقط موقعیت معنوی و نفوذ و رهبری آمریکا گسترش نیافت، بلکه نفرت از سیاستهای آمریکا و بی اعتباری سیاسی اش را به اوج رساند. سیاست اتکا به قدرت نظامی برای احیای موقعیت رهبری آمریکا در جهان به موقعیت رو به افول اقتصادی فائق نیامد و با اولین موج بحران عمیق اقتصادی ماشین و سیاست جنگی آمریکا زمینگیر شد. پدیده اوباما پاسخی به این اوضاع و تغییر آن بود. اوباما با سیاست عقب نشینی نیروهای نظامی آمریکا از عراق نیروی وسیعی را در انتخابات آمریکا بدور خود جمع کرد.

با این حال اشتباه است که آمریکا را بدون قدرتی نظامی در سیاست جهانی تعریف و تبیین کرد. مهمترین نقطه قدرت دولت آمریکا نیروی نظامی وسیع و مدرن و پیچیده آنست که باید مرتبا در میدانهای مختلفی با کشتار و ارباب در مقیاس بزرگ به دنیا گوشزد شود. دمکرات و جمهوریخواه در آمریکا برسر نفس اعمال سیاست میلیتاریستی معضلی ندارد و

دموکراسی در عراق را از افتخارات کشور خود دانست و از ارتش آمریکا بخاطر تحقق آن قدردانی کرد. بیک معنا این هم یک تبلیغ دروغین هست و هم نیست. این کاملا بر میگذرد به تصور و برداشت انسان از مقوله دموکراسی. از نظر بورژوازی و سرمایه جهانی معنای واقعی دموکراسی همین است. دموکراسی در کشورهای "در حال توسعه" دقیقا همین است. اگر کسی به سرکوب و عدم آزادی و فساد در این کشورها اشاره کند، توضیح خواهند داد که: "دموکراسی در این کشورها تازه و جوان است. مردم عادت ندارند و باید آموزش ببینند و یاد بگیرند که به اصول دموکراسی احترام بگذارند. لذا کمی صبر کنید درست می شود".

این بعهد کمونیسم کارگری است که در عین حالیکه اهداف سرکوبگرانه و امپریالیستی آمریکا و بریتانیا را از حمله نظامی به عراق افشاء می کند، در عین حال واقعیت دموکراسی را نیز برملا کند. توهمات بسیاری در مورد مقوله دموکراسی، اصول دموکراسی، ساختار دموکراسی در جهان وجود دارد. بسیاری دموکراسی را با آزادی و برابری اشتباه می گیرند. این را نیز باید نشان و توضیح داد. اگر کسی خواهان آزادی و برابری واقعی است باید نه برای دموکراسی که برای سوسیالیسم مبارزه کند.

**یک دنیای بهتر:** در یک نگاه اجمالی پس از تقریبا هشت سال سیاستهایی که منجر به آغاز این جنگ ارتجاعی شد را چگونه باید ارزیابی کرد؟



آمریکا، کشورهای اروپایی، آسیا، آمریکای جنوبی و آفریقا میلیون ها نفر در اعتراض به این جنگ به خیابان ها آمدند. همین واقعیت نشان میدهد که مساله تبلیغات و توجیهات برای خود این دولت ها نیز چندان جدی و تعیین کننده نبود.

اما روشن است که در دوران معاصر برای حمله به یک کشور سوم، بویژه زمانیکه این حمله از نوع حملات امپریالیستی است، مهاجمین باید توجیهات عوامفریبانه و دهان پرکن ارائه دهند و صورت را با سیلی سرخ نگاه دارند. حمله نظامی و اشغال عراق یکی از بارزترین این موارد است. در واقعیت امر، طراحان و استراتژیستین های این جنگ توجه چندانی به توجیه مقبول این جنگ نداشتند. زیرا هدف اصلی این جنگ اثبات ابر قدرتی و قدر قدرتی آمریکا در نظم نوین جهانی بود. باید به دنیا نشان داده می شد که آمریکا هر دولتی را که بخواهد تغییر می دهد، هر کشوری را بخواهد نابود می کند. قرار بود به دنیا نشان داده شود که آمریکا هم قدرت نظامی و اقتصادی این کار را دارد و هم از نظر سیاسی-ایدئولوژیک قادر به پیشبرد آن است. از این رو این تبلیغات نقش چندانی بازی نکردند، از روز اول افشاء شده بودند.

مساله سلاح های کشتار دستجمعی خیلی سریع بایگانی شد. زیرا دروغ بودن آن در سطح رسمی در آمریکا و بریتانیا افشاء شد. اما مهاجمین پرچم دموکراسی را هنوز در دست دارند و تکان می دهند. باراک اوباما دیروز احیای



## تحولات در عراق، در منطقه، نگاهی به کشمکش قطبهای تروریستی ...

کرد. این حکومت‌های عهد عتیقی تحت عنوان "پروژه دمکراسی" و "عملیات آزادی عراق" و ترهاتی از این قبیل به مردم منطقه تحمیل شد و امروز نیز در پی سازش با طالبان و تقسیم قدرت با او بعنوان "راه صلح" رواند. پیشتر در عراق نیز این شاخه جریان اسلامی را برای کنترل فعال مایشانی جناح ضد آمریکایی طرفدار جمهوری اسلامی فعال کردند. آمریکا در قلمرو تقابل تروریستی با اسلام سیاسی حتی نتوانست تعادل جدیدی را به نفع خود به اسلام سیاسی تحمیل کند. آمریکا نهایتاً سیاستی پراگماتیستی دارد. امروز ناچارند بر متن ناتوانی شان با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی سازش و معامله کنند و هر وقت که بتوانند تهاجم جدیدی را علیه اسلام سیاسی سازمان می‌دهند. نتیجه این دور جنگ و میلیتاریسم و آدمکشی نشان داد که از سیاست میلیتاریستی و دمکراسی موشک‌کروزی تنها ارتجاع تاریخ قد علم میکند و نباید به این ماشین‌کشتر برای رسیدن به آزادی دل بست. برای آزادی باید به قدرت انقلابی و سازمان انقلابی و استراتژی انقلابی متکی شد.

**یک دنیای بهتر:** آینده عراق را چگونه می‌بینید؟ تداوم کشمکش‌های خونین فعلی، چند پاره شدن عراق، یا دست بالا پیدا کردن اسلامپستها یا ناسیونالیسم عربی؟ کدامیک؟ چگونه؟

**علی جوادی:** متأسفانه عراق پیش از آنکه روی "آرامش" را بخود ببیند صحنه جدالهای گسترده‌تر سیاسی و نظامی و اجتماعی و چند جانبه میان جنبشهای متفاوت اجتماعی مدعی قدرت بر سر آینده عراق خواهد بود. شاخه‌های مختلف اسلام سیاسی یک پای اصلی جدال قدرت سیاسی در این منطقه اند. ناسیونالیسم عرب و

نیروهای تروریستی و ضد جامعه، کشمکش‌های مذهبی و قومی و ملی میتواند عراق را کاملاً در حفره سیاهی فرو ببرد. در این صورت عراق به احتمال زیاد چند پاره خواهد شد. این آلترناتیوری است که جریانات ناسیونالیست و اسلامپست در مقابل عراق قرار داده اند. در مقابل تنها کمونیسم کارگری میتواند متضمن یک آینده سعادت‌مند در عراق باشد. آینده ای که مستلزم آزادی، برابری و رفاه همگان باشد. کمونیسم کارگری تنها امید آینده ای انسانی و سوسیالیستی در عراق است.

**یک دنیای بهتر:** همزمان با خروج بخش عمده نیروی نظامی آمریکا از عراق ما شاهد اعلام مجدد مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطین توسط آمریکا هستیم. کلاً به این مساله چگونه باید نگاه کرد، یک تلاش بی حاصل دیگر؟ یک شکست دیگر در مذاکرات صلح؟ یک حربه تبلیغاتی دیگر؟ آیا صلح امپریالیستی با توجه به تجربیات تاکتونی عملاً ممکن است؟ صلح پایدار و واقعی مستلزم چه تغییراتی است؟

**آذر ماجدی:** نقش کلیدی مساله فلسطین در ایجاد هر نوع تحول اساسی و نرمالیزه شدن اوضاع در خاورمیانه و حاشیه ای کردن جریان اسلامپستی بر کلیه جریانات سیاسی بورژوازی جهانی روشن است. تفاوت بر سر شیوه برخورد به دو جریان درگیر است. هیات حاکمه کنونی آمریکا بیشتر بر راه حل سیاسی و دیپلماسی تاکید دارد. نئوکسنرواتیو ها بر دفاع بی قید و شرط از جریان راست هیات حاکمه اسرائیل و تقابل نظامی تاکید داشتند. جریان اخیر بر غلبه نظامی اسرائیل اصرار داشت و جریان اولی می‌کوشد که اسرائیل را به برخی سازش‌ها راضی کند.

باراک اوباما با تاکید بر اهمیت "لینک فلسطین" بقدرت رسید. دیدیم که چگونه چند هفته پیش از سوگند اوباما دولت اسرائیل یک حمله وحشیانه را بمدت سه هفته از زمین و هوا علیه نوار غزه سازمان داد. در نتیجه آن بیش از 1000 تن

فلسطینی، بیش از نیمی از آن غیرنظامی و بخش عمده آن کودک، بقتل رسیدند. این حمله و شدت وحشیانه آن دنیا را به حرکت درآورد. اعتراضات وسیع در سراسر جهان شکل گرفت. حتی سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشری نظیر عفو بین الملل این جنایات را با جنایات علیه بشریت مقایسه کرده و مشابه قرار دادند. این حمله قرار بود عبارتی "گربه را دم حجله ریاست جمهوری اوباما بکشد." در پی این جنگ راست‌ترین جناح در اسرائیل قدرت گرفت. ناسیونالیسم افراطی، یهودی‌گرایی و میلیتاریسم به حرف اول در این دولت بدل شد. ابتدا دولت اوباما کوشید فشارهایی بر دولت ناتنیاهو وارد آورد، اما اکنون روشن شده که طی مذاکرات و تنش‌های موجود، این دولت اوباما است که از موضع ظاهری اولش عقب کشیده است.

اکنون مساله فلسطین از هر زمان دیگری بنظر آشفته‌تر می‌رسد. بار دیگر زد و خورد‌های مرزی میان اسرائیل و لبنان از سر گرفته شده است. دولت آمریکا کمک‌های نظامی خود به دولت لبنان را بعنوان تنبیه قطع کرده است. فضای میلیتاریستی در لبنان دارد اوج می‌گیرد. تنش و درگیری میان دو جریان حاکم در فلسطین، پی‌ال‌او تحت رهبری محمود عباس و حماس سر فروکش کردن ندارد. از آنسوی هر دو جناح حاکم در اسرائیل بمیزان زیادی اعتبار خود را نزد مردم از دست داده‌اند.

البته بار دیگر امیدهایی در فضا موج می‌زند. رسانه‌های متمایل به چپ مرکز در آمریکا از راه حل تشکیل دو دولت مستقل و قرار گرفتن این راه حل بر روی میز مذاکره خبر می‌دهند. اما بنظر نمی‌رسد که صلح میان فلسطین و اسرائیل را بتوان بزودی شاهد بود. فاکتورهای سیاسی - ایدئولوژیک تغییر چندانی نکرده است. وجود دموکرات‌ها در قدرت در آمریکا نیز در حل

## تحولات در عراق، در منطقه، نگاهی به کشمکش قطبهای تروریستی ...

مساله کلیدی نیست.

اسلامیست ها حاشیه ای می شوند و دولت اسرائیل و آمریکا توجیه خود را برای ادامه جنگ در مقابل مردم اسرائیل و آمریکا از دست خواهند داد. باین ترتیب شانس صلح بمراتب افزایش می یابد.

اما تا آنجا که به صلح پایدار مربوط است، این صلح کاملا به امکان تحقق سوسیالیسم بستگی دارد. وجود مناسبات ارتجاعی بورژوازی، رقابت های سرمایه دارانه و دولت های دیکتاتوری و عقب مانده حاصل این مناسبات در منطقه، امکان یک صلح پایدار را بسیار دور از دسترس می سازد. می بینیم که حتی یک صلح امپریالیستی با چنین موانعی روبرو است و اکنون بیست سال است که بر سر آن هزاران نفر جان خود را از دست داده اند. یک صلح پایدار نیاز به یک شرایط بسیار انسانی تر و برابری طلبانه دارد و فقط سوسیالیسم است که میتواند چنین شرایطی را فراهم آورد.

مذاکرات صلح و توافق بر تشکیل دو دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطین و اسرائیل بیست سال پیش آغاز شد، زمان ریاست جمهوری جرج بوش پدر، از آن مقطع اوضاع مداوما عقبگرد داشته است. دو جریان راست در اسرائیل و فلسطین خواهان صلح نیستند و مدام در حال سابوتاژ هر حرکت مثبت در جهت صلح اند. ترور اسحاق رابین اولین حرکت اصلی این جریان بود. اسلامیست ها، حزب الله و در راس آن جمهوری اسلامی خواهان صلح نیستند. وجود این کانون بحران و جنگ از نظر سیاسی - ایدئولوژیک برفع رژیم اسلامی است. این زخم قدیمی و عفونی شده منبع تغذیه جریانات کثیف و ضد انسانی اسلام سیاسی و یهودی گری سیاسی و قدرت طلب است.

قطعا برای تحقق صلح، حتی راه حل امپریالیستی، باید کوشید. مردم فلسطین هر روزه قربانی می دهند. وضعیت چند میلیون انسان در نوار غزه بسیار اسفناک و دردناک است. اسرائیل و حماس نوار غزه را به یک زندان بزرگ بدل کرده اند. رشد جریان اسلامی در فلسطین تقریبا تمام بروزات مدنی سکولاریسم را از این جامعه محو کرده است. موقعیت زنان بویژه بسیار وخیم است. عملا روسای قبایل و مذاهب جامعه را اداره می کنند. در اسرائیل نیز جریان راست و یهودی گری افراطی رشد چشمگیری داشته است. استقرار آپارتاید جنسی در اتوبوس های اورشلیم یکی از دستاوردهای آنها است. این جنگ دارد هر روزه به اشکال مختلف از مردم عادی قربانی می گیرد و باید کوشید تا آن را متوقف کرد. یکی از عوامل بسیار مهم و قابل تحقق، سرنگونی رژیم اسلامی است. با سرنگونی رژیم اسلامی،

که منشا تغذیه و سواستفاده اسلام سیاسی اند پاسخ جدی بگیرند. حل مسئله فلسطین و تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در ایران، و قدرتمند شدن نیروهای سکولار و سوسیالیست در منطقه ارکانی است که میتواند کمر اسلام سیاسی را بشکند و مجددا آنرا به حاشیه ای ترین گوشه سیاست در خاورمیانه پرتاب کند. تحقق هر کدام از اینها و بویژه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی شطرنج سیاست منطقه ای و جهانی را بهم میزنند. به نیروهای سکولار و پیشرو و سوسیالیست و مبارزه انقلابی جانی تازه میدهد و منشا تحولاتی پایدار و امیدوار به صلحی پایدار در منطقه را فراهم میکند. همینطور حل مسئله فلسطین، سیاست تروریستی و جنگ طلبانه دولت اسرائیل را بدرجات زیادی مهار میکند و راه رشد اسلام سیاسی را به بهانه مسئله فلسطین بشدت دشوار میکند.

مبارزه با تروریسم کار بشریت متمدن و آزادیخواه است. کار تروریسم اسلامی در ایران را نه آمریکا و اسرائیل بلکه کمونیسم کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر یکسره خواهد کرد.

بدرجه بیشتری تحرک یافت. اما مستقل از تناسب قوای مختلف و افت و خیزها مابین فراکسیونهای بورژوائی در منطقه، اسلام سیاسی یک نیروی مدعی قدرت با امکانات زیاد است. در تقابل تروریستی دنیای امروز، و مادام که دولتهای دمکراسی غربی مشغول سازماندهی جنگ و تروریسم اند، تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی نیرو و موقعیت خود را کمابیش حفظ خواهد کرد. با شکست آمریکا در منطقه و عقب نشینی نیروهای آن و در فقدان یک نیروی آلترناتیو و قدرتمند، اسلام سیاسی بخشی از خلا را پر خواهد کرد و برای تحکیم قدرت خود با اتکا به تروریسم تلاش خواهد کرد.

تغییر جدی در موقعیت و آینده اسلام سیاسی در گرو دست بالا پیدا کردن آمریکا و اسرائیل و قطب تروریسم دولتی نیست. مضافا اینکه هنوز هیچ چشم اندازی برای عروج ناسیونالیسم عرب بعنوان یک بازیگر مهم و پر قدرت در منطقه که تناسب قوا را به ضرر اسلام سیاسی بهم بزند موجود نیست. تغییر جدی در موقعیت و آینده اسلام سیاسی و شیفته در روندهای سیاسی خاورمیانه را نیروهای بیرون این تقابل تروریستی رقم میزنند. برای تضعیف و حتی شکست اسلام سیاسی باید معضلات گرهی منطقه

### کارگر زندانی،

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



ابراهیم مددی، منصور اسانلو، بهنام ابراهیم زاده، رضا شهبانی، مهدی قراسی شاندریز

### یا کار یا بیمه بیکاری!

کارگران شاغل و بیکار! متحدانه علیه بیکاری بمیدان بیایید!

یک دنیای بهتر: جنگ عراق موقعیت منطقه را به طور قابل ملاحظه ای دگرگون کرد. رژیم اسلامی در پس این جنگ به امکان مانور و قدرت عمل منطقه ای فراتری دست یافت. جریانات اسلامیستی در سطح دیگری در تغییر و تحولات منطقه سهم شدند. از پاکستان تا افغانستان و ایران و عراق رژیمهای مرتجع اسلامیستی حاکمیت میکنند. کلا آینده اسلام سیاسی را چگونه می بینید؟

سیاوش دانشور: مشاهدات مورد اشاره درست اند اما باید اضافه کرد که اسلام سیاسی در سال گذشته سیر افول را طی کرد و ناسیونالیسم عرب



اطلاعیه شماره 1 کمپین مبارزه علیه اعدام

## ۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی اعدام و سنگسار تبدیل کنیم!

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه مجازات اعدام است. بشریت دیر زمانی است که برای لغو مجازاتهای قرون وسطانی اعدام و سنگسار مبارزه میکند. اما هنوز در قرن بیست و یکم در بسیاری نقاط جهان، از آمریکا تا چین و ایران، بساط اعدام براه است. باید ۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام، رژیم سنگسار، رژیم خالق گورهای دسته جمعی، رژیم خاوران ها و کهریزک ها تبدیل کرد.

اعدام قتل عمد دولتی است. هیچ دولتی تحت هیچ شرایطی حق ندارد جان کسی را بگیرد. کشتن عامدانه و گرفتن حق حیات انسانها، به هر دلیل و بهانه ای، حق هیچ دولت و قدرتی نیست. اعدام یک ابزار رژیم اسلامی و طبقات حاکم برای به انقیاد در آوردن جامعه و سربریزر نگهداشتن مردم معترض است. اعدام باید لغو شود. قدرتها و حکومتهای مدافع اعدام و سنگسار باید سرنگون شوند. یک رکن تلاش ما برای برپایی نظامی آزاد، برابر، مرفه و انسانی، مبارزه قاطع برای برچیدن بساط شکنجه اعدام و لغو مجازات اعدام و سنگسار است.

در ایران جان زندانیان سیاسی در خطر جدی قرار دارد. هر روز در زندانها گروه گروه از انسانهای محروم و قربانی به قتل میرسند. آمار اعدام در ماههای اخیر به ۳۰۰ نفر میرسد و جلادان در صدد اعدام بیش از ۲۰۰۰ نفر هستند. رژیم اسلامی حکومت سه دهه جنایت جمعی تکان دهنده است. اعدامهای صحرایی سال ۵۸ در کردستان، اعدامهای بعد از خرداد ۶۰ و قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ تنها نمونه های برجسته دستگاه آدمکشی اسلامی است. جمهوری اسلامی سمبل مجازات اعدام در جهان است. مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جهان، بدون سازمان دادن مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی اعدام در ایران ممکن نیست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۱۰ اکتبر را روز جهانی مبارزه با حکومت اسلامی اعدام اعلام میکند. حزب از تمامی نیروهای آزادیخواه، انساندوست و پیشرو میخواهد که در این روز متحدانه علیه مجازات اعدام و رژیم اسلامی اعدام به میدان بیایند. این روز را باید به روز اعتراض عمومی و روز اقدام جهانی علیه رژیم اسلامی تبدیل کرد. در اینروز باید اجتماعات بزرگ و اقدامات متنوعی علیه نفس مجازات اعدام و رژیم اسلامی صد هزار اعدام سازمان داد. برای متوقف کردن ماشین اعدام و لغو تمامی احکام اعدام صادر شده بمیدان بیایند. روز ۱۰ اکتبر باید جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به محاکمه کشید. باید جهان یکصدا رژیم طالبانهای ایران را محکوم کند. بشریت آزادیخواه در قرن بیست و یکم نباید حکومتهای اعدام و سنگسار را تحمل کند!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۷ اوت ۲۰۱۰

“آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید، تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلاد سردهیم، همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران، جا را برای افراد بعدی باز میکند؟”  
کارل مارکس

**10 اکتبر**  
روز جهانی  
علیه رژیم  
100000  
اعدام



**اعدام قتل عمد دولتی است!**  
**اعدام قتل آگاهانه و با نقشه**  
**قبلی توسط دولت و قانون**  
**است! کارگران و مردم**  
**آزادیخواه برای الغای مجازات**  
**اعدام مبارزه میکنند!**





و گسترده کار خود را آغاز می کنیم.

**یک دنیای بهتر:** فراخوان این کمپین به سایر نیروهای سیاسی آزادیخواه و برابری طلب و چپ چیست؟ آیا آکسیون مشترکی را مد نظر دارید؟ آیا به دنبال شکل دادن به ائتلافی هستید؟ سبک کار مورد نظر حزب در این کمپین کدام است؟

**آذر ماجدی:** ما از تمام این نیروها می خواهیم که به این کمپین بپیوندند. قطعا مذاکرات برای هماهنگ کردن و هر چه گسترده تر کردن این کمپین یک کار اصولی و مفید خواهد بود. می توان به سبکی که در یک سال اخیر نیز در برخی شهرها انجام شده آکسیون های مشترکی را سازمان داد. ما در پی تشکیل ائتلاف معینی نیستیم. اما گسترده ترین همکاری و همبستگی را توصیه کرده و برای ایجاد آن تلاش می کنیم. در آکسیون ها جریانات می توانند حول یک پلتفرم مشترک اما با بنر های حزبی خود شرکت کنند. اقدامات بعدی را ما مرتباً طی اطلاعیه هایی باطلاح عموم خواهیم رساند. اکنون آغاز کمپین است. ما مردم را در جریان اقدامات خویش و نتایج بدست آمده قرار خواهیم داد. اما همین جا از تمام نیروها و افراد [آزادیخواه، برابری طلب و همچنین جریانات چپ و سوسیالیستی دعوت می کنیم که به این کمپین بپیوندند و بیابند با هم یک کمپین موفق و وسیع متحد را علیه رژیم اسلامی، رژیم صد هزار اعدام و علیه مجازات اعدام، قتل عمد دولتی، سازمان دهیم.\*

می کنند، آنگاه می توان دریافت که می توان از این موقعیت ها برای سازماندهی یک مبارزه متحد علیه اعدام سود جست: تلاش برای اینکه در روز 10 اکتبر مردم در مقابل زندان های اصلی یا دادستانی انقلاب در شهر خود تجمع کنند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام شوند. این کاملا عملی و ممکن است.

نگاهی به یک سال اخیر نشان میدهد که بعلت اختناق شدید و ممنوعیت احزاب و سازمان های سیاسی و یا تشکلات مردمی، مردم عملا بشکل تقریباً خودانگیخته در روزهایی که انتظار می رود در شهر تظاهرات و تجمعی انجام گیرد برای پیوستن به اعتراض به خیابان می آیند. این شامل روزهای مقدس رژیم نیز شده است. مردم در این روز به ضد تظاهرات دست زده اند. لذا یک روز جهانی و شناخته شده، بطور اتوماتیک بعنوان روز اعتراض در اذهان اغلب مردم شناخته می شود. بنابراین اگر ما و سایر نیروهای آزادیخواه و برابری طلب از حالا بر لزوم اعتراض همبسته و متحد در این روز تاکید کنیم، میتوانیم فضا را کاملا برای یک اعتراض وسیع در این روز آماده کنیم.

در خارج کشور، حزب می کوشد با تبلیغات گسترده به فارسی و زبانهای بین المللی این پیام را حتی الامکان وسیعاً پخش کند. حزب به همه آزادیخواهان و انسان دوستان فراخوان می دهد که در این روز به اعتراض بلند شوند و شعار محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت را به اهتزاز درآورند. تشکیلات های حزب از حالا برای این روز در محل زندگی خود اقدامات لازم را در دستور خواهند گذاشت. رادیوی 24 ساعته ماهواره ای و اینترنتی حزب بطور مرتب در مورد این روز، کمپین علیه اعدام و رژیم اسلامی و مجازات اعدام برنامه های ویژه خواهد داشت. دوستان می توانند برای شنیدن این رادیو به سایت آن رجوع کنند. ما امروز سوت آغاز این کمپین را بصدا در می آوریم و با امید به سازماندهی یک کمپین موفق

## 10 اکتبر را به روز اعتراض

### علیه رژیم صد هزار اعدام اسلامی بدل کنیم!

#### گفتگو با آذر ماجدی

پیش از این نیز چنین اقدامی را انجام داده ایم که با استقبال خوبی روبرو شد. امیدواریم که امسال موفق شویم کمپین بسیار وسیعتری را در سطح بین المللی علیه اعدام و رژیم اعدام اسلامی سازمان دهیم.

**یک دنیای بهتر:** این کمپینی سراسری است. دارای بعد داخل کشوری و خارج کشوری است. در این دو عرصه چه اقدامات مشخصی را مد نظر دارید؟ انتظارات و توقعات از این کمپین کدام است؟

**آذر ماجدی:** روشن است که شرایط درون ایران با خارج کشور بسیار متفاوت است. و این تفاوت در نوع سازماندهی یا فراخوان دهی ما تأثیر جدی دارد. جنبش علیه اعدام در جامعه ایران نیز بسیار قوی است. در مقایسه با کشورهایی که مجازات اعدام در آنها قانونی است، مردم ایران در بالای لیست معترضین به اعدام قرار دارند. ما حتی شاهد تلاش های مردمی برای بدر بردن محکومین به اعدام از زیر چوبه دار بوده ایم. البته در ایران مقوله اعدام علی العموم با اعدام زندانیان سیاسی، یا اعدام سیاسی تحت پوشش جنایت بسیار مخدوش است. اما در این شرایط فضای جامعه عموماً علیه اعدام است.

اما وقتی در نظر بگیریم که خانواده های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان و مردم در همبستگی با این خانواده ها تقریباً هر روزه در مقابل زندان یا دادستانی انقلاب تجمع می کنند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی می شوند یا به اعدام عزیزان شان اعتراض

**یک دنیای بهتر:** شما مسئولیت این کمپین را عهده دارید. اهداف عمومی این کمپین چیست؟ چرا روز 10 اکتبر؟

**آذر ماجدی:** حزب اتحاد کمونیسم کارگری اصولاً با مجازات اعدام مخالفتی اساسی دارد. اعدام را بعنوان قتل عمد دولتی ارزیابی می کند و تداوم آنرا علیه انسانیت، مانعی برای پیشروی جامعه بشری و عامل افزایش و تشدید خشونت و عقب ماندگی می داند. بعلاوه، اعدام در دست رژیم اسلامی یک سلاح وحشیانه سرکوب و به قهراً کشیدن جامعه است. این رژیم با اتکاء به اعدام های وسیع، سرکوب و کشتار سی و یک سال بر قدرت تکیه داده است. اعدام های هزاران نفره دهه شصت یک نقطه سیاه در تاریخ بشری است.

در یک سال اخیر، علیرغم تغییر توازن قوای سیاسی میان مردم و رژیم و خیزش توده ای مردم، رژیم اسلامی با تکیه بر شکنجه و اعدام می کوشد که حیات ننگین خود را تداوم بخشد. به علت تمام این مولفه های اصولی و سیاسی حزب مبارزه همه جانبه و قاطعانه علیه اعدام را در دستور خود گذاشته است.

10 اکتبر روز جهانی علیه اعدام است. این روز فرصت مناسبی برای جلب توجه جهانیان به سرنوشت مردم در ایران، به آمار بالای اعدام ها در ایران، به زنده کردن مخالفت و ضدیت شدید با این رژیم جنایتکار و دامن زدن به یک موج دیگری از مبارزات متحدانه علیه رژیم اسلامی است. حزب با در نظر گرفتن تمام فاکتورهای فوق تصمیم گرفت که بار دیگر به استقبال این روز برود و بکوشد یک کمپین بین المللی علیه مجازات اعدام و علیه رژیم اسلامی سازمان دهد. ما



## آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران دستمزدهای مرداد هم پرداخت نشد!

بنا به خبر دریافتی، دستمزدهای مرداد ماه بیش از ۱۳۵ نفر از کارکنان خدماتی آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران پرداخت نشده و بلا تکلیف رها شده است. این در حالیست که این نیروهای خدماتی زحمتکش همین چندی پیش با اتکا به اعتراض و پیگیریهای بسیار زیاد موفق شدند دستمزدهای معوق چندین ماه گذشته را نقد نمایند.

در این روزها جمعی از کارکنان معترض بخش خدمات که مصرانه خواستار دریافت دستمزدهای مرداد ماه خود بودند، بطور مکرر به آموزش و پرورش منطقه ۵ مراجعه نموده اند. اما از "اسفندیار" مدیر آموزش و پرورش و مسئولین حسابداری چیزی جز بودجه نداریم و نیست و مستی جوابهای سر بالا و تهدید نشنیده اند. کار شکنی و جر زنی، تاخیر و نسیه کاری در پرداخت دستمزدها سیاست ثابت و همیشگی و ضد انسانی اوباش حکومت اسلامی در آموزش و پرورش منطقه ۵ میباشد.

کارکنان و نیروهای زحمتکش خدماتی بخش کودکان استثنایی آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران که بیش از ۱۳۵ نفر میباشد همگی تحت شرایط کار قراردادی، دستمزدهای ۳۰۳ هزار تومانی در شرایط نامناسب مشغول به کارند و همیشه دستمزدهایشان با انواع تاخیر و کار شکنی پرداخت میشود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ شهریور ۱۳۸۹ - ۳۱ اوت ۲۰۱۰

سایتهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری:

[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

[www.wupiran.net](http://www.wupiran.net)

سایت رادیو یک دنیای بهتر:

[www.wupradio.org](http://www.wupradio.org)

لطفا به اطلاع عموم برسانید!

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر  
کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر  
تغییر آنست!

کارل مارکس

## کارگران سیکو پارس خودرو! شمارش معکوس اخراج

بنا به خبر دریافتی، از آغاز سال جدید تا امروز خطر و تهدید بیکاری و اخراج همچنان بر زندگی بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران شرکت سیکو پارس خودرو سایه افکن است. عوامل کارفرما برای ایجاد تزلزل شغلی در میان کارگران و برای دستیابی سودهای سرشار به نیروی کار ارزان و خاموش نیازمندند و به همین دلیل قراردادهای کاری کارگران را ۸۹ روزه منعقد نموده و مدام از فسخ قراردادها و اخراج کارگران میگویند. "میرزایی" مدیر شرکت پیمانکاری همه تقصیر را به گردن مسئولان پارس خودرو انداخته و خود را بیگناه میدانند. چندی پیش قراردادهای کارگران را تا پایان همین شهریور ماه تمدید نمودند و حالا که بیش از ۲۰ روز بیشتر به پایان قراردادها باقی نمانده، میرزایی و همدستانش بطور مداوم کارگران را تهدید به اخراج از کار می کنند. خطر اخراج و بیکاری تا پایان شهریور همه کارگران را تهدید می کند.

یکی از کارگران میگفت: همه این حرفها بهانه است. میرزایی و مدیران پارس خودرو دستشان توی یک کیسه است. همه این آقایان به شدت به کار ما کارگران محتاج اند. آنها فقط به دنبال کارگر ارزان، مفت و مطیع می گردند، میخواهند همیشه از ترس اخراج و بیکاری و گرسنگی امر بردارشان باشیم.

شرکت پیمانکاری سیکو با بیش از ۶۰۰ کارگر قراردادی با قراردادهای ۸۹ روزه، یکطرفه و سفید امضا و پایه دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی، ناظر و مجری استخر رنگ پارس خودرو واقع در ۱۰ کیلومتر ۱۰ جاده قدیم کرج میباشد. ساعت کار کارگران از ۷ صبح تا ۳ عصر و اضافه کاری اجباری به روش بردگی مطلق تا پاسی از شب و ایام تعطیل بنا به صلاحدید کارفرما برقرار است. اکثریت کارگران به دلیل شرایط نامناسب و غیر ایمن کار و استنشاق بوی انواع مواد شیمیایی و رنگ به بیماریهای مزمن و لاعلاج تنفسی از قبیل آسم و تنگی نفس و حساسیت و ... مبتلا شده اند بی آنکه پولی و مجالی برای درمان و استراحت داشته باشند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ شهریور ۱۳۸۹ - ۳۱ اوت ۲۰۱۰

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

## جهانی شدن اسلام سیاسی و تاثیر آن بر حقوق زنان

گفت و گوی شهروند با هما ارجمند، فعال سیاسی

فرح طاهری



خواهانه و سکولار، که در رأس آن جنبش کمونیسم کارگری قرار دارد. این را همه می دانند. این پیروزی ثابت کرد که این تئوری نیست که می گوئیم امروز ما هستیم که می توانیم هر جنبش حق طلبانه، آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سکولار را نه تنها نمایندگی، بلکه به موفقیت برسانیم. انعکاس این پیروزی بین المللی بود.

در پاسخ به بخش دوم سئوالتان باید بگویم که دیگر هیچ دادگاهی بر اساس موازین مذهبی در انتاریو وجود قانونی ندارد.

**چندی پیش مسئله پوشش نقاب و برقع در مونترپال مسئله ساز شد و کار به شکایت فردی که خواستار این پوشش بود و از ثبت نام او در کلاس زبان خودداری شده بود کشید. این موضوع در بین مقامات به کجا انجامید؟ نظر شما در مورد استفاده از برقع در مکان های عمومی و اداری چیست؟**

- تا آنجایی که من اطلاع دارم دولت کبک موافق با اخراج زن نقاب پوش از مدرسه بود و وزیر کابینه خانم ناتالی نورماندو اعلام کرد که دولت وظیفه دارد تضمین کند که کلیه کسانی که از موسسات دولتی استفاده می کنند بدون نقاب و روبند در این ارگان ها شرکت کنند در غیر این صورت از دریافت هرگونه خدماتی محروم خواهند شد. من نیز با ایشان کاملا موافق هستم. از نظر من نقاب و روبند، هر دو پرچم اسلام سیاسی بخصوص در غرب هستند.

رفع مسائل تجاری، کسبی و خانوادگی داشته باشند و گروه های اسلامی با استفاده از این قانون می خواستند که دادگاه های اسلامی را در کانادا برپا کنند.

کمپین بر علیه دادگاه های اسلامی معروف به کمپین علیه شریعه، به کمپین علیه کلیه دادگاههای مذهبی و به یک کمپین بین المللی تبدیل شد. علت جهانی شدنش این بود که مردم رابطه دادگاه های اسلامی را با اسلامیت ها به درستی درک کرده بودند. مردم عادی از گسترش نفوذ آنان در کامیونیتی های (جامعه) مهاجران وحشت داشتند و دارند چرا که به روشنی نفوذ و افشاندن بذر تنفر نسبت به دیگران، تحمیق و سرکوب زنان، کودکان و انسانهای سکولار در آن و جمع آوری نیرو و ایجاد پشت جبهه قوی برای گروه ها و دولتهای اسلامی در منطقه را می دیدند. مردم از هر جریانی که بخواهد در مقابل اینها بایستد و با دفاع از ترقی خواهی، حقوق زنان و حقوق کودکان، اینها را افشا کند و سرچایشان بنشانند، سریعاً حمایت خواهند کرد. مردم از کمپین ما از همان ابتدا که خود را یک کمپین بین المللی اعلام کرده بود، حمایت وسیع کردند بخصوص که می دیدند فعالان این کمپین به سراغ همه انسان های آزادیخواه، مدافع حقوق زنان و سکولار رفته است و تاکید بر این دارد که تلاش اسلامی ها برای زدن دادگاه های شرعی یک حرکت سیاسی و بین المللی است و باید با آن در سطح سیاسی و جهانی مقابله کرد. ما برخلاف دیگر نیروها در کانادا که قضیه را یک امر محلی و حقوقی می دیدند از همان ابتدا به دنبال تمام متحدینمان رفتیم و اعلام جنگ جهانی علیه این دشمنان بشریت دادیم.

به معنی سیاسی و حقوقی این کمپین پیروز شده. این پیروزی سیاسی در واقع یک پیروزی بود برای جنبش برابری طلب زنان و جنبش ترقی

انتاریو" است.

ارجمند جایزه سکولار سال را در سال ۲۰۰۵ از سازمان انساندوستان انتاریو دریافت کرد و در سال ۲۰۰۶ به عنوان انساندوست سال از طرف همین سازمان در کانادا شناخته شد. او همچنین در سال ۲۰۰۶ به عنوان زن سال از طرف روزنامه فرانسوی زبان Gazette شناخته شد. در ماه مارچ ۲۰۱۰ از طرف مرکز پژوهشگران انتاریو به نام هما ارجمند جایزه ای تعیین شد که همه ساله قرار است به یکی از مدافعان سکولار داده شود. جایزه امسال به طارق فتاح تعلق گرفت.

به مناسبت برگزاری کنفرانس "جهانی شدن اسلام سیاسی و تاثیرات آن بر موقعیت زنان" با هما ارجمند که از سازماندهندگان این کنفرانس بود، گفت و گو کردیم.

\*\*\*

**خانم ارجمند، موضوع دادگاه های شریعه به کجا کشید و آیا اکنون دادگاه هایی بر اساس موازین مذهبی در کانادا وجود دارد یا نه؟**

- شاید لازم باشد برای خوانندگان اول در مورد زمینه های شکل گیری دادگاههای مذهبی در کانادا صحبتی کرده باشم. در کانادا قانونی وجود داشت به نام لایحه حکمیت (داوری) ۱۹۹۱ استان انتاریو که عملاً این امکان را به همه مذاهب و از جمله اسلامی ها می داد که دادگاه های موازی با دادگاه های سکولار برای

روز جمعه ۱۳ اگوست ۲۰۱۰ به دعوت کمپین علیه دادگاه های اسلامی در کانادا و با همکاری سازمان آزادی زن، کنفرانسی با تم جهانی شدن اسلام سیاسی و تاثیرات آن بر موقعیت زنان، با تمرکز بر چند همسری، حجاب و نقاب، نسبیت فرهنگی و چند فرهنگی گرایی در تورنتو برگزار شد. سخنرانان این کنفرانس هما ارجمند، طارق فتاح و آذر ماجدی بودند. شیللا آنیلا از فعالان انجمن انساندوستی کانادا و از فعالان جنبش سکولاریسم در این کشور گرداننده جلسه بود.

هما ارجمند، یکی از سخنرانان این کنفرانس، از فعالان سیاسی مقیم تورنتوست که فعالیت سیاسی - اجتماعی را از جوانی آغاز کرده است. او متولد جنوب ایران است و تحصیلاتش را در انگلیس به پایان برده. هما ارجمند با پیوستن به سازمان اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۱۳۵۹ به جرگه مبارزان جنبش کمونیسم کارگری درآمد و از آن تاریخ چه در حزب کمونیست ایران و چه در حزب کمونیست کارگری ایران و امروز در حزب اتحاد کمونیسم کارگری مبارزه خویش را برای سوسیالیسم و رهایی انسان ادامه داده و در عین حال در کنار مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی فعالیت کرده است.

هما ارجمند در چند سال گذشته با رهبری کمپین موفق علیه دادگاه های اسلامی در کانادا به یک چهره سرشناس علیه اسلام سیاسی بدل شد. او هم اکنون مسئول چندین کمپین سیاسی اجتماعی از جمله کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی، کمپین علیه قتل های ناموسی و کمپین علیه مدارس اسلامی است. او همچنین یکی از سخنگویان "یک سیستم آموزشی سکولار در

## جهانی شدن اسلام سیاسی و تاثیر آن بر حقوق زنان

گفت و گوی شهروند با هما ارجمند ...

همانطور که می دانید این دو نوع پوشش تا قبل از تثبیت جمهوری اسلامی در ایران در بخشی از اماکن ایزوله شده در عربستان سعودی و خلیج فارس به زنان تحمیل می شد ولی امروز زنان تحصیل کرده از دانشگاهای غربی که تا دیروز بدون حجاب در کنار همکلاسی های مرد به برکت جنبش برابری طلب و آزادیخواه مشغول آموزش بودند، داوطلبانه بر سر و صورت می کنند و در اماکن عمومی ظاهر می شوند. اینان همان کسانی هستند که اینجا و آنجا در مقابل نورافکن ها ظاهر می شوند و سرسختانه از برقع و نقاب به عنوان یک پوشش ساده صحبت می کنند و دم از آزادی پوشش حجاب برای زنان می زنند. ناگفته نماند که به خاطر فعالیت های این بخش است که مردان چنین خانواده هایی به جان زنان و دختران جوان خانواده افتاده اند تا آنها نیز نقاب پوش شوند. روزی نیست که اینجا و آنجا شاهد کشته شدن جوانی نباشیم که در برابر عقاید عقب مانده خانواده ایستادگی کرده. قتل های ناموسی دقیقاً در غرب به همین خاطر افزایش یافته است، اما هدف اصلی نقاب داران همان علم کردن پرچم اسلام سیاسی برای کار تبلیغی و توسعه و بسط کار سیاسی است. آنها همان مبلغان اسلام سیاسی هستند که قصد دارند این جنبش را در عرصه فرهنگی و اجتماعی در سطح جهان گسترش دهند.

این در صورتی است که زنان در کشورهای اسلامی که اسلام سیاسی دست بالا را دارد و یا به قدرت رسیده در تمام عرصه های مبارزاتی حجاب را به مصاف می کشند و در تظاهرات آن را می سوزانند و این حق را به خود می دهند که حجاب را فقط یک قطعه پارچه ندانند، بلکه آن را ابزار سرکوب و تحقیر زن بدانند. چرا که عملاً با پوست و گوشت و استخوان تاثیر

مخرب آنرا در زندگی روزانه خود تجربه کرده اند.

اسلام سیاسی برای حفظ موقعیت و تثبیت خود، تمام سعی اش این است که حضور سیاسی اجتماعی خود را به نحوی، روزانه به جهانیان بشناساند. از این رو باید توجه رسانه ها را جلب کند. این عمل بعضاً با عملیات تروریستی و یا انتحاری صورت می گیرد و یا با تظاهرات علیه انتشار تصاویر محمد و یا اعتراض برای توزیع گوشت حلال در مدارس ابتدائی و یا برپائی مد لباس اسلامی زیر برج ایفل فرانسه و یا اعتراض برای مکان برگزاری نماز در مدارس، دانشگاه ها، ادارات و کارخانجات و... در غیر این صورت حامیانش ترافیک را بند آورده، در وسط خیابان های پاریس و لندن و نیویورک با حضور نقابیست ها در اول صف نماز حاجت به پا می کنند. وقتی هم که دیگر نمایش مسخره شان مورد توجه قرار نگیرد آنوقت زنان با روبند (نقاب) راهی اماکن عمومی از جمله مدارس، دادگاه ها، حوزه های رای و... می کنند. در صورت مقابله، برقع داران شکایت نزد انجمن های حقوق بشر می برند که نمونه ذکر شده از جانب شما یکی از موضوعات پر جنجال اخیر در کانادا بود.

و اما موضع من در مورد برقع و نقاب این است که باید کلاً ممنوع شود درست همانند پرچم فاشیست که در جهان برافروختنش ممنوع است. در مورد بقیه انواع حجاب زنان آزادند که این پوشش را اختیار کنند، ولی همین هم در تمام موسسات دولتی و مدارس باید

ممنوع شود.

نیستند.

ممنوعیت نقاب و برقع به طور حتم جنبش اسلامی را به عقب خواهد راند و به جنبش برابری زنان برای کسب برنامه های پیشرو آتی کمک بسیار خواهد بود. و اما حجاب به هر نوع و شکلی برای کودکان زیر سن ۱۸ باید ممنوع باشد و متخلفان آن بر اساس و ضوابط قانون حمایت از کودکان مورد پیگرد قرار گیرند.

**شما کمپینی را آغاز کرده اید مبنی بر اینکه دولت و بویژه جمعیت حمایت از کودکان وضعیت کودکان کانادایی بویژه در خانواده های مذهبی را بیشتر نظارت کند و مواظب سوء رفتار با آنها باشد. همچنین در مورد موضوع چندهمسری در کانادا نیز در این کنفرانس نظراتی مطرح شد. در این زمینه چه اقداماتی انجام شده؟**

- همانطور که می دانید کنفرانس اخیر در تورنتو تحت نام جهانی شدن اسلام سیاسی و تاثیر آن بر حقوق زنان روی چند همسری، حجاب و نقاب، نسبیت فرهنگی و چند فرهنگی گرای تمركز داشت. مسئله چند همسری، ازدواج های اجباری و خواستگاری، نقاب و قتل های ناموسی موضوعاتی است که در این دو دهه در غرب به موضوعات حادی بدل شده است. مولتی کالجریلیسم و پلورالیسم قانونی و احترام به فرهنگها به این پدیده میدان داده است. اینها موضوعاتی است که در چارچوب حقوق زنان و مسئله ستم کشی زنان باید بدان توجه کرد. زنان و کودکان مهاجر و یا جوامع به اصطلاح مذهبی امروز به نحوی از این پدیده ها رنج میبرند. هر روز بر تعداد قربانیان قتل های ناموسی افزوده می شود. دختران جوان گاه ۱۳ و یا ۱۴ ساله را به زور به کشورهای پاکستان و افغانستان می برند و به ازدواج اجباری مردان چند برابر سن این کودکان درمی آورند. در مواردی که این دختران به کانادا برمی گردند، قانون از آنها و کودکانشان حمایت نمی کند، زیرا که فرزندانشان قانوناً مقیم کانادا

در مقابل همه اینها باید ایستاد و مبارزه کرد. کنفرانس ۱۳ اگوست هم اساساً با این هدف برگزار شد که پلورالیسم قانونی را به نفع انتگراسیون تغییر دهد. چند همسری نه تنها غیر قانونی شود، بلکه به بخش جنائی انتقال باید که باید بگویم در این زمینه کمپین علیه چند همسری اقدامات لازم جهت ارائه کیس به دولت فدرال به عمل آورده است. کنفرانس همچنین تقاضای پیگیری از سرنوشت کودکانی که توسط خانواده هایشان از کشور کانادا خارج شده اند و دیگر بازنگشته اند، شد. واقعیت اینست که کانادا بر اساس پلورالیسم قانونی اش دست گروه های مذهبی و جریانات اسلامی را برای تجاوز به حقوق کودک و زنان باز گذاشته است. به نحوی که به مورمون ها اجازه داده شده که حرمسرا تشکیل دهند و بعضاً تا ۵۳ زن را به همسری خود درآورند. و یا به مسلمانان اجازه داده شده که فرزندان دختر خود را وادار به ازدواج های اجباری کنند.

اما یک موضع رادیکال و پیشرو این است که باید نه تنها جریانات اسلامی را افشا کرد، نه تنها در مقابل دست درازی ملا و شیخ و مکلائی مذهبی به زندگی و حرمت زنان و کودکان باید ایستاد، بلکه باید جایگاه اسلام سیاسی و رابطه سهم خواهی و قدرتخواهی این جریان با رشد و نفوذ دستگاه مذهب و اسلام را نشان داد. باید بر جنبه سیاسی مبارزه با اسلام سیاسی و مذهب به طور کلی تاکید کرد. از طرف دیگر بر جهان شمولی حقوق انسان، زنان و کودکان به طور مشخص تاکید کرد. در عین حال مبارزه قاطعی را باید با نسبیت فرهنگی و احترام به فرهنگها به پیش برد. باید بر ضد مولتی کالجریلیسم و در دفاع از انتگراسیون کار در مقیاس سیاسی، فرهنگی و قانونی کرد. باید مماشانات احزاب و دولت های غربی با حکومت های اسلامی را شدیداً افشا کرد. \*



## فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اساس سوسیالیسم انسان است. چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

\* سابقه تحصیلات تسلط به زبانهای اروپایی قابلیت‌های فنی و تخصص‌های حرفه‌ای:

\* شهر محل تولد و زندگی:

\* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

این اطلاعات تنها در اختیار دبیرخانه حزب است و حزب راسا این اطلاعات را علنی نمیکند

پرداخت حق عضویت الزامی و یک شرط مهم عضویت در حزب است.  
حق عضویت ماهیانه در حزب معادل ۱۵ دلار آمریکا ۲۰ دلار کانادا ۱۰ پوند انگلیس ده یورو اروپا ۱۰۰ کرون سوئد و ۱۰۰۰۰ ریال ایران

## کارگران، کمونیست‌ها!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی سرمایه داری از طریق یک انقلاب کارگری و برقراری حکومت کارگری مبارزه میکند. کلید آزادی جامعه دست طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی اش است. به حزب بپیوندید.

این حزب شماست!

تاریخ: ۲۸ اوت ۲۰۱۰

هما ارجمند



## فراخوان به تظاهرات

### برای يك سیستم آموزشی سکولار برای همه

در روز ۱۳ و ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰، دولت ایالت اونتاریو مهماندار يك اجلاس بین المللی دو روزه در مورد بنیادهای آموزش و پرورش، تحت عنوان "کلیت سیستم رفورم" میباشد.

[www.edu.gov.on.ca/bb4e/](http://www.edu.gov.on.ca/bb4e/)

کمپین يك سیستم آموزشی واحد در این رابطه تظاهراتی را فرامیخواند و از همه کسانی که خواهان جدایی مذهب از آموزش و پرورش هستند و همه کسانی که مخالف دخالت مذهب در زندگی کودکان هستند و همه کسانی که مخالف گنوهای مذهبی، ملی، نژادی، فرهنگی و زبانی هستند میخواهد در این تظاهرات شرکت کنند.

ما خواهان يك سیستم آموزشی واحد و سکولار هستیم. ما مخالف اختصاص بودجه به مدارس مذهبی بوده و شدیداً با جدا سازی کودکان و مانع شدن آنان جهت شرکت در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی تحت عنوان آزادی مذهب و حقوق اقلیتهای فرهنگی و قومی مبارزه میکنیم. ما معتقدیم که دولت موظف است از کودکان در مقابل هر گونه اجحاف و ستم و آزار محافظت کند.

زمان تظاهرات: روز ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۰ ساعت ۱۲ بعد از ظهر

محل تظاهرات: تورنتو، مقابل هتل رویال یورک 100 Front Street West

برای اطلاع بیشتر به سایت های زیر مراجعه کنید و یا با شماره تلفن زیر تماس بگیرید.

[www.nosharia.com](http://www.nosharia.com)

[www.CanadaasDirtyLittleSecret.com](http://www.CanadaasDirtyLittleSecret.com)

[www.onessn.org](http://www.onessn.org)

416-737-9500

ویدئو بلاگ آذر ماجدی و علی جوادی را در باره مسائل سیاسی ایران و جهان ببینید!



[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

[www.wupiran.net](http://www.wupiran.net)



را سانسور نکرد و بر دهانها چسب نزد و هویت ها را انکار نکرد. داوطلبانه کار کردن یک پرنسپس شورا بود که امکان میداد که هر کس در هر حرکتی که نمی خواهد یا موافق نیست شرکت نکند، یا از شورا خارج شود و یا دوباره به شورا بپیوندد. شورا بر تعمیق این فرهنگ آزاد سیاسی و همزمان بر موجودیت رادیکال تاکید دارد.

#### ۸- پروژه های شورا

شورا در عین حال اشکال دیگری را برای گسترش فعالیت از جمله "پروژه ها" در نظر گرفت. کسانی که در چهارچوب اصول شورا علاقه داشتند بر امری متمرکز شوند، که سایرین ممکن بود مایل نباشند، می توانستند در چهارچوب پروژه ها کار کنند و حتی با افراد هم نظر در خارج از شورا وارد همکاری شوند. "پروژه زندانیان سیاسی" و "پروژه تمرکز بر جنبش کارگری" دو مورد تکنونی هستند. این شکل از سازمانیابی ضمن آنکه اختلافات را تاب می آورد علائق مشترک را پیش می برد.

#### ۹- یک تجربه پیشرو

۶- شورا در قیاس با تجارب گذشته در خارج کشور و در میان نیروی چپ، قالب جدیدی ست. یک دلیل اساسی که شورا توانست یکسال فعالیت سیاسی را تقریباً بدون دردسر بزرگ پیش ببرد همین است. نکات و اصول فوق به ایجاد چتری توده ای و پیشرو با مناسبات آزاد منشانه مجال داد و متقابلاً همین اصول بروز فرهنگ فرقه

## ارزیابی از یکسال فعالیت

### شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

بودند و رشکست شدند.

#### ۳- استقلال عملی، فکری و سیاسی

نقطه قدرت شورا در استقلال نظری و سیاسی و عملی از اردوی راست و مخدوش نکردن صفتی چپ و راست بود. انقلابیگری، مخالفت قاطع با کل جمهوری اسلامی، و جانبداری سیاسی در باره آینده سیاسی ایران، نقطه قدرت شورا بود. شورا بر تداوم این سیاستها تاکید دارد و برای گسترش و توده ای کردن آنها تلاش میکند.

#### ۶- سازمانیابی شورایی

شورا بر یک شکل مناسب و شدت باز سازمانیابی یعنی مجمع عمومی متکی بوده است و به ارگانی برای همکاری سازمانها و افراد آزادیخواه و سوسیالیست تبدیل شده. شورا نه حزب است، نه جبهه، و نه اتحاد عمل موردی گروههای سیاسی. شورا یک تشکل توده ای چپ و شکل نوینی از همکاری کلیه نیروهای ست که علیرغم اختلاف دیدگاهها روی اصول مهمی توافق دارند. آئین نامه شورا که در اولین مجمع عمومی به اتفاق آرا تصویب شد، چهارچوب فعالیت را روشن کرد.

#### ۷- فرهنگ نوین سیاسی

شورا آزادی عمل و رادیکالیسم را بعنوان دو رکن فعالیت خود پیش برد. شورا یک الگوی جدید سیاسیست که همراه خود فرهنگ و سنت سیاسی جدید و مدرنی را ببار آورد. شورا هیچ امتیاز و یا محدودیتی را برای هیچ فرد و جریانی قائل نشد. شورا تلاش کرد اصل برابری را در قوانین و شیوه کار حاکم کند. یعنی علیرغم وجود دیدگاههای متفاوت، مانعی بر تداوم همکاری نبود. تریبون شورا برای ارائه نظرات افراد و سازمانها باز بود. هیچکس مجبور نبود نظراتش را به چهارچوب شورا محدود کند و در عین حال از حداقل ها و اصول شورا خارج نمیشد. شورا پرچمها

"شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران" در استکهلم، یکسال فعالیت انقلابی و ضد جمهوری اسلامی را پشت سر گذاشت و خود را موظف میداند ارزیابی از فعالیت یکساله خود را در اختیار عموم قرار دهد. ارزیابی از فعالیتهای شورا، اعم از نقاط قوت و کمبودها تا اهدافی که در دوره آتی باید در مقال خود قرار دهد، در یکماه گذشته میان فعالین و اعضای شورا مورد بحث بود و اسنادی کتبی تهیه و در میان شورا توزیع گردید.

بدنبال بحث و همفکری، مجمع عمومی شورا در تاریخ ۲۱ آگوست تشکیل شد و ضمن بحث فعال به اتفاق آرا تصمیم گرفت که نکات زیر را بعنوان مبانی و خطوط بحث و نظر شورا بطور علنی منتشر کند.

#### ۱- شورا ضروری است

نفس ایجاد شورا برای تقابل با سیاستهایی که تلاش داشتند مردم را زیر پرچم جمهوری اسلامی ببرند، تلاشی مثبت و اصولی و ضروری بود. ارزیابی شورا اینست که وضعیت سیاسی ایران عمیقاً بحرانی است و تقابل بخشهای مختلف مردم و بویژه طبقه کارگر با حکومت امری واقعی است. لذا مجمع عمومی بر ادامه کاری شورا تاکید دارد. شورا باید تلاش کند ایرانیان آزادیخواه را حول سیاست و اهداف انقلابی خود بسیج کند.

#### ۵- شورا پرچمدار عمل رادیکال

شورا نقش کلیدی در تغییر فضای سیاسی خارج کشور به ضرر جمهوری اسلامی داشت. شورا (اعم از شورای شهر استکهلم و شوراهای دیگر که در همین راستا در

#### ۲- حقانیت سیاستهای شورا

شورا بر حقانیت چهارچوب سیاستهای خود در یکسال گذشته تاکید میکند. سیاستهای ما بسرعت اثبات شدند و متقابلاً سیاستهای جریاناتی که بدنبال تقویت جناحی از حکومت و جمهوری اسلامی

## ارزیابی از یکسال فعالیت شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم ...

ای را عملاً محدود کرد. شورا بعنوان قطب سرخ و طرفدار راه حل کارگری، الگویی است که ضروری است بیش از این در خارج کشور تکثیر شود. ما معتقدیم اگر اردوی چپ جامعه در تداوم خود تلاش کافی نکند، راستها فضای سیاسی را تسخیر میکنند و نتیجه آن شکست چپ است.

### ۱۰- ضعف ها و محدودیتها

شورا در یکسال گذشته خالی از ضعف و کمبود نبوده است. اولاً شورا میتواند بسیج کننده میزان بسیار بیشتری از رادیکالیسم موجود در جامعه باشد. این تلاش از جانب شورا آنطور که ممکن بود صورت نگرفت. شورا میتواند میزان بیشتری از مردم معترض را زیر پرچم سرخ و رادیکال خود بسیج کند، بویژه وقتی که شکست راستها و اصلاح طلبها مسجل شده بود. این امر البته یکجانبه نیست، اما تا آنجا که به شورا مربوط است از حقانیت سیاسی اش به نفع گسترش گرایش و سیاست خود استفاده نکرد. شورا از نظر سازمان اداری، تبلیغات و ارگانهای تبلیغی، تدارکات و امور فنی، جا انداختن مفاهیم اساسی خود و بویژه سبک کار و سنت جدید، استفاده درست از تمام نیروهای موجود، ضعف و کمبود داشته است. یک مانع اساسی در پیشروی سهل تر، وجود دیدگاههای متفاوت، برداشتهای مختلف از شورا و کار شورانی، عدم انطباق عمومی با روشها و سنتهای جدید، تقابل تجارب تکنونی افراد و جریانات و غیره است که منجر به کند شدن حرکت ما در قوام سازمان شورا بوده است.

ادامه کاری قوی شورا در گرو برسمیت شناسی این مجموعه کمبودها و ضعفها و تلاش برای رفع آنهاست.

### ۱۱- قدرانی و یک تاکید صریح

ما شورا را متعلق به همه کسانی میدانیم که از ابتدا تا امروز به انحاء مختلف فعال و همراهش بودند. تمام کسانی که در اجتماعات شورا شرکت کردند، کسانی که در صف شورا در برابر جمهوری اسلامی قاطعانه ایستادند، کسانی که پرچم سرخ را با افتخار در دست گرفتند، و حتی بعضاً بدلیل اختلاف شورا را ترک کردند. شورا به همه این مجموعه و تعداد بسیار زیادی از رادیکالها و انسانهای شریف و انقلابی شهر استکهلم تعلق دارد. شورا از زحمات تک تک افراد، احزاب، سازمانها، از حضور سیاسی آنها چه در تظاهراتهای پرشکوه و چه در جدال سیاسی و فکری، قدرانی میکند.

### ۱۲- شورا و آینده

شورا بر گسترش فعالیت خود، سازماندهی قویتر و پایه ای تر، فعالیتهای سیاسی متنوع، و عضوگیری وسیع در چهارچوب اهداف خود تاکید دارد. شورا بر رفع کمبودها و نقاط ضعف خود تاکید ویژه دارد. ما جوانان و زنان برابری طلب و مخالف تبعیض را به صف شورا دعوت میکنیم. شورا عموم انقلابیون، سوسیالیستها، آزادیخواهان و کسانی که خواهان سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی اند را به صفوف خود دعوت میکند. شورا همراه با کارگران و مردم انقلابی و شریف ایران برای جامعه ای سوسیالیستی مبارزه میکند و تقویت این اردو را وظیفه خود میدانند. کلید یک آینده خوشبخت دست اردوی چپ کارگری جامعه است و شورا بستری و چتری برای تقویت راه حل اجتماعی

چپ است.

### به شورا بپیوندید!

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

۲۹ اوت ۲۰۱۰

\*\*\*

ضمیمه یک،

لیستی از اقدامات شورا در طول یکسال فعالیت

این لیست شامل کل اقدامات شورا و فعالیتهای نمیشود بلکه صرفاً خلاصه ای از مجموعه اقداماتی است که شورا پیرامون آنها گزارش منتشر کرده است.

۱- خرداد ۲۰۰۹ تظاهرات وسیع علیه نمایش انتخابات در مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی به فراخوان "کمیته نه به انتخابات".

۲- تظاهرات هر روزه در میدان مرکزی شهر استکهلم در پی خیزش توده ای در ایران به فراخوان "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران".

۳- ۱۸ تیر ۲۰۰۹ تظاهرات بزرگ سرخ ها در میدان سرگل استکهلم.

۴- ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹ تظاهرات وسیع در جلوی سفارت جمهوری اسلامی که منجر به اشغال آن شد. این اقدام در دفاع از کارگران دستگیر شده در اول ماه مه و به فراخوان اتحادیه های کارگری صورت گرفت.

(از قبل از برگزاری مضحکه انتخابات فعالیتهای ما تحت عنوان "کمیته نه به انتخابات" و بدنبال خیزش توده ای در ایران تحت نام "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران" صورت گرفت)

۵- ۶ اگوست ۲۰۰۹ برگزاری مجمع عمومی، تغییر نام به

"شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران"، تصویب آئین نامه و اهداف شورا به اتفاق آرا.

۶- ۳ و ۴ اکتبر ۲۰۰۹ برگزاری پروژه دفاع از زندانیان سیاسی طی دو روز شامل؛ اجرای تئاتر "۵ هزار پرنده و ماه چهارگوش" بزبان سوئدی در سالروز قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و دهه ۶۰. برگزاری سمینار بحث و گفتگو در کافه مارکس در باره زندان، زندانی سیاسی، ضرورت برچیدن زندانهای سیاسی ونفی شکنجه و اعدام. ارائه چند سخنرانی توسط زندانیان سیاسی عضو شورا و بحث عمومی پیرامون آن.

۷- ۱۰ اکتبر تظاهرات در میدان سرگل علیه مجازات اعدام. روز جهانی علیه مجازات اعدام.

۸- ۱۶ آذر تظاهرات در مدبوریار پلاتسن بمناسبت روز دانشجو. مناظره رادیویی با طرفداران سبزها.

۹- ۱۰ دسامبر مصادف با مراسم اهدای جایزه نوبل. تظاهرات جلوی مراسم نوبل در نفی اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی.

۱۰- ۸ مارس روز جهانی زن، تظاهرات همراه با چپ های سوئدی در صف مستقل، در دفاع از حقوق زنان و مقابله علیه قانون شریعه در سوئد.

۱۱- برگزاری مراسم بمناسبت اول مه روز جهانی کارگر در روز جمعه ۳۰ آوریل در کافه مارکس استکهلم. ارائه چند سخنرانی و جشن.

۱۲- شرکت در راهپیمایی اول مه و برگزاری میز کتاب. در روز اول مه بخشی از فعالین شورا همراه با سازمانهای چپ سوئدی در مدبوریارپلاتسن اجتماع و به طرف کونگستردگوردن راهپیمایی کردند. در این راهپیمایی از جمله شعارهایی در دفاع از حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران، خواست آزادی کارگران زندانی، علیه سرمایه داری و در دفاع از سوسیالیسم سر داده شد. همینطور پروژه جنبش کارگری شورا در



رادیو ماهواره ای ۲۴ ساعته

## یک دنیای بهتر

رادیو ۲۴ ساعته "یک دنیای بهتر" برنامه های رسمی خود را از طریق ماهواره و اینترنت از امروز ۱۳ مرداد ۱۳۸۹ برابر با ۴ اوت ۲۰۱۰ آغاز کرده است. لطفا مشخصات رادیو را به اطلاع عموم برسانید و ما را از کیفیت پخش مطلع کنید.

مشخصات رادیو ماهواره ای یک دنیای بهتر:

Satellite: TelStar 12 , Transponder: 10 ,  
Horizontal: QPSK 2/3 , Symbol Rate:  
19279

سایت رادیو:

<http://www.wupradio.org>

ای میل رادیو:

[1917@wupradio.org](mailto:1917@wupradio.org)

"صدای کمونیسم کارگری" برنامه حزب اتحاد  
کمونیسم کارگری هر شب ساعت ۹ به وقت تهران  
از کانال رادیو یک دنیای بهتر پخش میشود.

به "صدای کمونیسم کارگری"، صدای کارگران کمونیست، صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و نسل جدید، صدای متعهد به حقیقت و مقابله با خرافات و ارتجاع سیاسی، صدای مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی گوش کنید و شنیدن آن را به دوستانتان توصیه کنید.

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم، بدون

"خطر" سوسیالیسم، به چه

منجلاهی تبدیل میشود!

منصور حکمت

## ارزیابی از یکسال فعالیت شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم ...

رویدادهای ایران، مخالفت با کلیت جمهوری اسلامی، دفاع از مبارزات کارگران و مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران، و تقابل با جریانات راست و طرفدار جمهوری اسلامی بوده است.

شعارهای تاکتونی ما از جمله عبارت بوده اند از:

- سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

- مرگ بر جمهوری اسلامی به سوئدی و فارسی

- مرگ بر رژیم تروریستی در ایران به سوئدی

- کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد ترور شکنجه اعدام ملغی باید گردد

- زنده باد سوسیالیسم، زنده باد آزادی

- زنده باد انقلاب کارگری

- این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد در مقابل سفارت به سوئدی و فارسی

- قلم بیان تشکل آزاد باشد زندانهای سیاسی برچیده باید گردد

و ...

کونگستردگوردن میزی همراه با باندورل شورا و پیام و پوسترهایی بمناسبت روز کارگر داشت.

۱۳- 10 مه شرکت در تظاهرات همبستگی با کارگران یونان در همکاری با چپ های سوئدی در مقابل سفارت یونان در استکھلم.

۱۴- تظاهرات در روزهای 12 و 13 و 14 مه در میدان سرگل و سپس دو روز متوالی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اعتراض به اعدام 5 تن از زندانیان سیاسی. این تظاهرات صبح همانروز که خبر اعدام ها پخش شد آغاز شد.

۱۵- 2 ژوئن تظاهرات در دفاع از اشغال کنندگان سفارت جمهوری اسلامی در هلند مقابل سفارت هلند در استکھلم.

۱۶- 5 ژوئن علیه نژاد پرستی. شرکت در فستیوال ضد نژاد پرستی در همکاری با چپ های سوئدی در یکی از پارکهای شهر استکھلم. شورا از برگزار کنندگان این مراسم بود.

۱۷- 20 ژوئن تظاهرات در مناسبت 30 خرداد و قتل عام انقلابیون علیه جمهوری اسلامی و مجازات اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی در مقابل بوک هاندل.

و ...

مباحثات رادیویی، جدل با راستها

[www.shora.se](http://www.shora.se)

Mobil: 0701502011

[shoraye1@gmail.com](mailto:shoraye1@gmail.com)

طی این مدت نمایندگان شورا در مباحثات رادیویی متعددی شرکت داشتند. مضمون عمومی این مباحثات دادن تبیینی رادیکال از

سران و کاربدستان جنایت علیه مردم  
در سه دهه گذشته باید در دادگاههای  
علنی و عادلانه محاکمه شوند!

## کمونیسم کارگری، جنگ، جامعه و قدرت سیاسی

بیانیه زیر مصوب دفتر سیاسی حزب در مورخه ۲ دسامبر ۲۰۰۷ برابر با ۱۱ آذر ۱۳۸۶ است. دوره ای که مانند امروز تهدیدات جنگی دولت آمریکا و جمهوری اسلامی افزایش یافته بود. اصول اعلام شده در این بیانیه، ارزیابی از اهداف نیروهای درگیر تروریستی، سیاست و موقعیت اپوزیسیون بورژوازی در قبال جنگ و تحریم اقتصادی، و همینطور روش برخورد کمونیسم کارگری به چنین بحرانهایی و پراتیکی که در مقابل طبقه کارگر و بشریت متمدن قرار میدهد، نه فقط با گذشت چند سال هنوز قویا معتبرانند بلکه خط مشی سیاسی امروز ما در قبال این تهدیدات جنگی نیز بر همین اصول و جهتگیریهای سیاسی استوار است. امروز که شاهد تشدید تحریمهای اقتصادی و دور جدیدی از پروپاگاندا جنگی هستیم، مجدداً این بیانیه را منتشر میکنیم. سردبیر.

### بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

#### کمونیسم کارگری،

#### جنگ، جامعه و قدرت سیاسی

۱- بحران و جنگ تروریستی امروز ریشه در جدالهای به فرجام نرسیده دنیای پس از جنگ سرد دارد و ادامه آنست. طرفین این تخاصم ارتجاعی هر کدام اهداف سیاسی و منافع اقتصادی خود را دنبال میکنند. آمریکا با قدری میلیتاریستی برای تحکیم هژمونی خود و کسب موقعیت "رهبری بلامنازع آمریکا در جهان" تلاش میکند. کشمکش آمریکا و متحدینش با رژیم اسلامی برسر پرونده هسته ای، نه جدالی برسر

از رژیم اسلامی بسیج شده اند. بخشهایی از این جنبش اکنون پرچمدار "صلح و حقوق بشر" شده اند. هدف این نیروها تقویت جناحهای "معتدل" و طرفدار مصالحه در رژیم اسلامی است. بخشهای دیگر جنبش ملی - اسلامی با شعار "جنبش صلح" و "دفاع از میهن در مقابل اجانب"، عملاً کنار جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. در جنبش ملی اسلامی مجاهدین یک استثنا است که کنار ارتش آمریکا ایستاده است. مجاهدین و جریانات دست ساز قومی، نقش کنتررا و یونینا و زانده های ارايه جنگی آمریکا را ایفا میکنند.

ج: جنبش کمونیسم کارگری برخلاف نیروهای متعدد کمپ راست، هیچ نوع همسوئی با هیچکدام از طرفین جنگ ندارد. تنها همسوئی ما با انقلاب کارگری و منافع و مصالح آزادی جامعه است. سرنگونی رژیم اسلامی و به شکست کشاندن دورنمای نظم نوینی آمریکا ارکان استراتژی کمونیسم کارگری است. یک وظیفه مهم جنبش کمونیسم کارگری و حزب ما در این بحران مقابله با سیاست دفاع از اردوهای تروریست و جنگ طلب و افشای ماهیت ضد اجتماعی و ضد مردمی این نیروها به جامعه است.

۴- حزب اتحاد کمونیسم کارگری در هر شرایطی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، تصرف قدرت سیاسی و برقراری فوری یک جامعه کمونیستی مبارزه میکند. هدف ما نابودی جامعه طبقاتی سرمایه داری و برقراری یک جامعه آزاد و مرفه و انسانی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری در عین حال در قبال هر وضعیت و سیاسی که واپسگرانی فکری و فرهنگی و تعصب مذهبی و قومی را به جامعه تحمیل کند، قاطعانه ایستادگی میکند. شرایط جنگی تغییری در ارکان استراتژی جنبش ما ایجاد نمیکند بلکه شرایط مبارزه برای تحقق اهداف ما را تغییر میدهد.

۲- دیپلماسی، مذاکره، تبلیغات، تهدیدات جنگی، حمله نظامی و جنگ بخشی از کشمکش این دو قطب است. آمریکا در این تقابل از اهرمهای تحریم اقتصادی و اعمال فشار دیپلماتیک و تهدید روزافزون میلیتاریستی استفاده میکند. تحریم اقتصادی یک سلاح کشتار جمعی است که جامعه ایران را به فقر و فلاکت و استیصال سیاسی میراند و فقط به تحکیم ارتجاع و اختناق خدمت میکند. هر نوع حمله نظامی، محدود یا گسترده، توسط آمریکا و اسرائیل، منطقه را به آتش میکشد و اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را به یک نیروی افسار گسیخته تبدیل میکند. مصائب انسانی و اجتماعی و سیاسی و محیط زیستی این حمله نظامی دهشتناک و غیرقابل مقایسه با تجارب و تراژدیهای تاکنونی خواهد بود. نسلها از مردم در منطقه و جهان باید تاوان مصائب این جنگ ارتجاعی را بپردازند.

۳- جنگ، نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را متحول خواهد کرد. برخی از این نیروها نامشان در لیست قربانیان سیاسی جنگ ثبت خواهد شد. این تغییر و تحول از هم اکنون آغاز شده است:

الف: ناسیونالیسم، چه عظمت طلب و چه قومی، در مقابل مردم و کنار آمریکا و جمهوری اسلامی در حال صف کشیدن اند. بستر اصلی جریان ناسیونالیسم پرو غرب از هم اکنون زیر پرچم "مقابله با تجزیه و دفاع از تمامیت ارضی"، برای قرار گرفتن در کنار جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرده است. ناسیونالیسم قوم پرست در این جدال متحد و ابزار جنگی آمریکاست.

ب: بخشهای مختلف جنبش ملی - اسلامی نیز در همسوئی و حمایت

و جریانات باند سیاهی و تروریست قرار گیرد. کمونیسم کارگری در این دوران باید در راس سازماندهی شبکه ها و نهادها و ارگانهای مختلف مردم برای تامین امنیت خود در محلات و مناطق و کارخانه ها و همینطور ایجاد سازمان نظارت و کنترل مستقل مردم بر توزیع نیازهای پایه ای جامعه قرار گیرد. اردوی آزادی و برابری باید در این دوران تعیین کننده بتواند با خارج کردن قدرت از کنترل رژیم اسلامی سنگرها و مناطق آزاد و ایمن ایجاد کند. سازماندهی یک جنبش مقاومت انقلابی و توده ای برای تصرف هر بخشی از قدرت، دفاع از جامعه در مقابل جمهوری اسلامی و تروریستهای متفرقه، در سطوح سیاسی و نظامی، وجه مشخصه یک سیاست فعال کمونیستی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در دوران جنگ است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای بمیدان کشیدن بشریت متمدن علیه اردوهای تروریستی و در دفاع از مبارزات مردم ایران تلاش میکند. کمونیسم کارگری باید در صف مقدم این جدال در ایران و جهان قرار گیرد و به سخنگویان و رهبران جنبش مقابله با سیاستهای ارتجاعی و میلیتاریستی آمریکا و متحدینش و تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی تبدیل شود.

**"علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی، برابری و رفاه همگان!"**

نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به تروریسم اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲ دسامبر ۲۰۰۷ - ۱۱ آذر ۱۳۸۶

صفی مستقل و پیشرو در این جدال نمایندگی کند و بمیدان بکشد.

۶ - همراه با بمبهای آمریکا، رژیم اسلامی به بهانه جنگ و شرایط فوق العاده خواهد کوشید مبارزات سرنگونی طلبانه توده های مردم را قیچی کند. میکوشد به بهانه "شرایط جنگی" و "دفاع از ایران اسلامی" مردم را بکودد. در این جنگ جنبش ملی - اسلامی در همسویی با رژیم اسلامی عمل خواهد کرد. مصائب جنگ را توجیه و به مردم وعده

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری مخالفت با جنگ را به سرنگونی جمهوری اسلامی گره میزند. معنی عملی و فوری این امر، هوشیار بودن در مقابل تبلیغات ناسیونالیستی و ارتجاعی است که فراخوانشان دفاع از رژیم اسلامی است. خطرناک ترین سیاست برای مردم ایران در قبال این بحران، سیاست صبر و انتظار و گره زدن سرنوشت و آینده خود به دولت‌های جنگ طلب است. تشدید مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی تنها راه اصولی برای مقابله با این سیاستها است. گسترش مبارزه برای آزادیهای سیاسی، بر علیه فقر و فلاکت، بر علیه آپارتاید جنسی، بر علیه سیاستهای میلیتاریستی، بر علیه تروریسم اسلامی میتواند بسرعت صحنه سیاست در ایران و منطقه را عوض کند. مردم ایران میتوانند پیشاپیش مردم پیشرو جهان در مقابله با تروریسم و میلیتاریسم در تمام اشکال آن قرار گیرند.**

**"علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی: برای آزادی و برابری و رفاه همگان!" این خط مشی و فشرده سیاستی است که میتواند اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم را در صفی مستقل و پیشرو در این جدال نمایندگی کند و بمیدان بکشد.**

"مبارزه برای صلح" به همراه جمهوری اسلامی را خواهد داد. اساس سیاست کمونیسم کارگری در این شرایط بسیج و سازماندهی مقابله توده ای مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و ختم فوری جنگ است. کمونیسم کارگری میتواند و باید در مقام رهبر مقاومت توده ای طبقه کارگر و مردم در مقابل رژیم

گره زدن سرنوشت و آینده خود به دولت‌های جنگ طلب است. تشدید مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی تنها راه اصولی برای مقابله با این سیاستها است. گسترش مبارزه برای آزادیهای سیاسی، بر علیه فقر و فلاکت، بر علیه آپارتاید جنسی، بر علیه سیاستهای میلیتاریستی، بر علیه تروریسم اسلامی میتواند بسرعت صحنه سیاست در ایران و منطقه را عوض کند. مردم ایران میتوانند پیشاپیش

مردم پیشرو جهان در مقابله با تروریسم و میلیتاریسم در تمام اشکال آن قرار گیرند. "علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی: برای آزادی و برابری و رفاه همگان!" این خط مشی و فشرده سیاستی است که میتواند اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم را در

ما سیاستهای ارتجاعی میلیتاریستی و تروریستی آمریکا و متحدینش علیه مردم در ایران و عراق و فلسطین و کشورهای منطقه را قویا محکوم میکنیم. ما سیاست تحریم اقتصادی را یک مجازات جمعی مردم ایران و استفاده از یک سلاح کشتار جمعی میدانیم. ما این سیاست ضد بشری و مدافعتش را محکوم و برای لغو فوری این تحریمها تلاش میکنیم. ما هرگونه حمله نظامی به ایران و تهدیدات جنگی علیه مردم را قویا محکوم میکنیم. ما تلاشهای آمریکا و نهادهای دست راستی برای راه اندازی و سازماندهی جریانات فرقه ای و ارتشهای دست ساز و دامن زدن به نفرت و شکاف قومی و ملی را قاطعانه محکوم میکنیم. کمونیسم کارگری در مقابل این جریانات فرقه ای و تروریست و قوم پرست از امنیت مردم و مدنیت جامعه قاطعانه دفاع میکند. ما هر گونه همسوئی جریانات اپوزیسیون با رژیم اسلامی و آمریکا را دشمنی با طبقه کارگر و اهداف آزادیخواهانه مردم ایران میدانیم. ما مخالف دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی هستیم. کمونیسم کارگری مدافع خلع سلاح عمومی و یک دنیای بدون سلاح هسته ای است. ما برای بسیج بشریت متمدن و جنبشهای برابری طلب و انساندوست در دفاع از روندهای پیشرو و سکولار و آزادیخواهانه تلاش میکنیم.

۵ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری مخالفت با جنگ را به سرنگونی جمهوری اسلامی گره میزند. معنی عملی و فوری این امر، هوشیار بودن در مقابل تبلیغات ناسیونالیستی و ارتجاعی است که فراخوانشان دفاع از رژیم اسلامی است. خطرناک ترین سیاست برای مردم ایران در قبال این بحران، سیاست صبر و انتظار و



را که از خود راندی اگرش خواندن باز بر تو باکی نیست، این بهر و شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز هیچیک باید محزون نباشند بلکه به آنچه ایشان را عطا کردی همیشه خشنود باشند.... {سوره احزاب آیه 51}

امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق دهد الله زنان بهتر از شما به جایان با او همسر کند. مسلم، مومن، مطیع، پرهیز کار مهاجر و انصار، بیوه یا باکره. {سوره تحریم آیه 5}

زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران بر زنان لیکن مردان را بر زنان فزونی و برتری است.... آیه 281 سوره بقره:

.....

اگر مدیون سفیه و فقیر است و صلاحیت امضا ندارد ولی او به عدل و درستی امضا کند و دو تن از مردان را به گواه آرید و اگر دو مرد نیابید یک تن مرد و دو زن هر که را طرفین راضی شوند گواه گیرند... (توجه کنید که حتی گواهی دادن زنان مشروط بر این است که دو مرد یافت نشود)

آیه 2 سوره نساء

اگر بترسید که مبادا در باره یتیمان مراعات عدل و داد کنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود آرید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است. دو یا سه یا 4

آیه 10 سوره نساء

حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند

آیه 11 سوره نساء

سهم ارث شما مردان از ترکه زنان نصف است در صورتی که آنان را فرزند نباشد.... و سهم ارث زنان

## خانم رهنورد کدام آیات؟ کدام شواهد تاریخی؟

در جواب زهرا رهنورد در خصوص قوانین اصلاح خانواده

روزبه بیات

که تا همین حد با اجرای این قوانین ترمز زده است.

فاکتهایی که در زیر می آورم تائیدی بر قوانین به اصطلاح اصلاح خانواده که تماما از قوانین ضد زن اسلام گرفته شده است.

زنان کشتزار شمایند برای کشت به آنها نزدیک شوید. هرگاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی پیش فرستید و از الله بترسید و بدانید که نزد او خواهید رفت. {سوره بقره آیه 223}

مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است. بواسطه آن برتری که الله بعضی را بر بعضی مقرر داشته و.... زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنها بیمناکید باید نخست پند دهید و از خوابگاهشان دوری جویید در صورت نافرمانی آنها را به زدن تنبیه کنید. {سوره نساء آیه 34}

ای پیغمبر ما زنانی را که مهرشان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مومنه ای که خود را به رسول بی شرط و مهر ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد، که این حکم مخصوص تو است و نه مومنان که ما حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مومنان را بعلم خود بیان کردیم، این زنان را همه بر تو حلال کردیم بدین سبب بود که بر وجود تو در امر نکاح هیچ حرجی و زحمتی نباشد. {سوره احزاب آیه 50}

تو ای رسول هر یک از زنان را که خواهی دوستش موخر دار و هر که را خواهی به خود بپذیر هم آن

اسلامی تان که انقلاب آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران را سرکوب کرد، از زمانی که او باشان خط امامی و انجمنهای امام زمانیتان حملات خود را به مردم آزادیخواه و خصوصا زنان آغاز کرد و سایه شوم اسلام سیاسی بر جان و مال مردم حاکم شد، برای مردم ایران خصوصا زنان بجز فقر، تحقیر، بی خانمانی، توهین و تجاوز از اسلام نابتان چیز دیگری عاید نشده است. این دیگر وقاحت میخواد که سیاه را سفید و سفید را سیاه جلو دهید. شما میخواید با زیرکی تمام تبعیض های فاحش اسلامتان را که ۱۴۰۰ سال است در حق زنان روا داشته نه به خود اسلام بلکه به این شخص و آن شخص نسبت دهی! باید متذکر شوم که تلاش بیوده نکنید، مردم آزادیخواه و برابری طلب، طبقه کارگر ایران و خصوصا زنان خوب می دانند که اسلام منشاء و سرچشمه تمام این ستم ها و جنایت هاست.

قانونهای لایحه ارتجاعی خانواده و کل قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی از همان قرآن و اسلام محمدی و نهج البلاغه امام علی تان گرفته شده و تمام این قوانین متکی بر استنمار و آپارتاید جنسی و توجیه کردن و قانونی کردن عسرت کده ها و حرم سراهای پیغمبرتان و امامانتان و هم اکنون نیز سردمداران و شکنجه گران جمهوری اسلامیتان است که ادامه دهندگان همان اسلام محمد هستند. حکومت شما اگر

میتوانست ایران را افغانستان طالبان میکرد. این زور زنان و آزادیخواهان و وصله ناجور بودن اسلام به جامعه ایران بود

اخیراً با تصویب لایحه ارتجاعی و لمپنی اسلامی مبنی بر حمایت از خانواده توسط مجلس سرمایه داری اسلامی، خیلی از مرتجعین اسلامی را برای آینده اسلام نگران کرده و بر خود میپنچند. زهرا رهنورد یکی از این مرتجعین است که این روزها به این طرف و آن طرف سر میکشد و میخواد به اصطلاح خودش تمام جنایتهایی که تاکنون اسلام ناب محمدیش و خط امامیش بر سر مردم و خصوصا زنان اعمال داشته است را توجیه کند و به گردن سردمداران بیندازد. تازگی بعد از تصویب لایحه ارتجاعی قانون خانواده، در نامه ای خطاب به مجلس چنین مینویسد: "این لایحه متأسفانه برچسب اسلامی خورده و در ادامه می گوید در دولت نهم و دهم با چه استنادی مواد ۲۵؛۲۴؛۲۲ و بند ۶ ماده ۵۵ در لایحه حمایت خانواده گنجانده شده است؟ و میفرمایند: روح آیات قران و هم شواهد تاریخی حاکی از آن هست که آیات مرتبط به چند همسری ناظر به زمانه ایست که حرم سراهای شهوترانها، حاکمان و طبقات مرفه بیداد میکرد و آیات فوق برای مهار چند همسری است نه توصیه و حکم چند همسری وسایر خوش گذرانیهایی مرتبط".

زهرا رهنورد کمر بندش را سفت کرده که از اسلام ناب و قوانین ارتجاعیش دفاع کند و آنرا "رحمان، معصوم و حامی انسان" نشان دهد. اما نمی دانم خانم رهنورد که برای دفاع از این قوانین ارتجاعی و برای دفاع از آن بخود میپنچد، با شواهد تاریخی جنایتهای اسلام چه خواهد کرد و چگونه بر آنها سر پوش خواهد گذاشت؟

خانوم رهنورد! از زمان روی کار آمدن رژیم وحشی و ضد زن

## خانم رهنورد کدام آیات؟ کدام شواهد تاریخی ...

ربع ترکه شما مردان است

آیه 18 سوره نسا

ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و به جبر به میراث گیرید (یعنی اگر اکراهی در کار نبود آنان را نظیر یک کالا می توانید به ارث ببرید)

آیه 34 سوره نسا

خانم رهنورد، اینها فقط گوشه ای از آیاتی بودند که درباره "ارج و قرب زنان" در قرآن وجود دارد. کتابهای دیگر و احادیث بجای خود. تمام بند آیات قرآن و احادیث اعمه اطهارتان ضد زن می باشد. مگر نه اینکه امام اولتان علی میگوید هرگز با زنان مشورت نکنید. زنان پیش از اسلام منزلتی بیشتر از پس از اسلام داشتند. پس گناه را به گردن این آخوندها و دولت نهم و دهم نیندازید که آنها کاری به جز پیروی از دستورات قرآن نمی کنند. و به پیروی از همین قوانین الهی است این قوانین ضد زن اصلاح خانواده تصویب شده است و به پیروی از همین قوانین الهی است که سه دهه ستم بر مردم ایران خصوصاً زنان اعمال می شود.

زهر رهنورد و دیگر جماعت اسلام دگراندیش خمینی چی و نیروهای نان به نرخ روز خور و ناسیونالیستهای پرو غرب که برای ادامه استثمار جامعه احتیاج به دستگاه مذهب و آخوند دارند، این را خوب بدانند که ما و مردم نمیگذاریم این بسای مفتخوری و جنایت سرپا بماند. جنبش کمونیسم کارگری هر نقطه سازشی را درهم میشکند و تا برقراری یک دنیای آزاد، برابر، بدون چهل و خرافه و برقراری یک دنیای شایسته انسان به مبارزه خود ادامه خواهد داد. \*

**آزادی زن،  
معیار آزادی هر  
جامعه است!**

## "یهودی تبار"

در دادگاه سوسیالیسم اسلامی راه توده ...

اسلامی برای خودش مهم باشد!

برای کمونیسم کارگری اما آزادی "یهودی" و "بهائی" و "بلوچ" و "کرد" و "آذربایجانی" و انواع "اقلیتها" و هویتهایی که هر روز توسط عده ای مورخ و جامعه شناس قلم به مزد کشف و جلوی ویترین سیاست فرار داده میشوند، نبش قبر در شجره شناسی و بازیابی هویتهای کاذب و تعریف حق در سیستم سیاسی - اداری با این نقطه عزیمت نیست، آزادی آنها در گرو رهائی از وضعیتی است که "یهودی" و "بهائی" و "بلوچ" و "کرد" و "آذربایجانی" و ... بودن را در دنیای امروز بازتولید میکند تا حاکمیت سرمایه و ارتجاع سیاسی و فکری و فرهنگی را بر میلیاردها کارگر و انسان محروم تحکیم کند. \*

## کتاب

## کنترل کارگری

را از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!



## برابری و رفع تبعیض

برابری انسان ها یک مفهوم محوری در جنبش کمونیسم کارگری و یک اصل بنیادی جامعه آزاد سوسیالیستی است که باید با برچیدن نظام طبقاتی، استثمارگر و پرتبعیض سرمایه داری برقرار گردد. برابری کمونیستی مفهومی بسیار وسیع تر و جهانشمول تر از برابری حقوقی و صوری افراد و شمول یکسان قوانین و مقررات دولتی بر آنان را در بر دارد. برابری کمونیستی یک برابری واقعی و مادی در قلمرو اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان انسان ها است. برابری نه فقط در حقوق سیاسی، بلکه همچنین در برخورداری از امکانات و مواهب مادی و محصولات تلاش جمعی بشر، برابری افراد در جایگاه اجتماعی و مناسبات اقتصادی، برابری نه فقط در محضر قوانین، بلکه در مناسبات مادی متقابل انسان ها با یکدیگر. برابری کمونیستی، که در عین حال شرط لازم شکوفایی توانها و استعدادهای مختلف و متنوع همه افراد و شادابی مادی و معنوی جامعه است، تنها با از میان رفتن تقسیم انسان ها به طبقات امکان پذیر میشود. جامعه طبقاتی بنا به تعریف نمیتواند جامعه ای برابر و آزاد باشد.

## ستون آخر،

## "یهودی تبار"

## در دادگاه سوسیالیسم اسلامی راه توده

سیاوش دانشور



امروز در عمل پرچم دولت اسرائیل علیه فلسطینی ها است. تکلیف دولت اسرائیل و توجیه جنایات اش علیه فلسطینی ها روشن است. اما کسانی که مخالفت با سیاستهای نژادپرستانه و جنایتهای دولت اسرائیل را به ضدیت با "یهودی" و کارگران و مردم منتسب به یهود ارتقا میدهند، درست مانند راستهای افراطی در غرب که مخالفت با تروریسم اسلامی را به مخالفت با "مسلمانان" و تهاجم راسیستی به کارگران و مهاجرین ارتقا میدهند، از نظر سیاسی همراه با دولت اسرائیل و راست افراطی در غرب و جمهوری اسلامی و طالبان یک جا ایستاده اند. سوسیالیسم اسلامی راه توده و شرکا از این گنداب نشخوار میکند و در این چهارچوب ارتجاعی راسیستی شمشیر اسلامی میکشد.

در جامعه ای که "نژاد آریا" یا "تبار اسلامی" یا "تبار یهودی" و هر نوع اصل برتری مذهبی و قومی و نژادی حکم میراند، کارخانه تولید "اقلیت قومی و مذهبی"، منشا انواع ناسیونالیسم و جریانات ضد جامعه، و کوره تخصصاتی است که خطرناک ترین دشمن برای طبقه کارگر و مردمی است که برای مستقر کردن آزادی و برابری و رفاه همگان تلاش میکنند.

تهاجم حکومت اسلامی به هر کسی که چیزی دیگر میگوید، تهاجم به شهروندان جامعه و گوشه ای از سیاست سرکوب آزادی است. پاسخ این سیاست حکومت اسلامی نفی و درهم کوبیدن ماشین و نظام سرکوب است. راه توده را با پرچم ضد "یهودی تباری" در کنار دایناسورهای اسلامی در حکومت علیه برادران "یهودی تبار" شان در انجمن حجتیه به حال خود بگذاریم. این جنگ فرقه های اسلامی است که میتواند در سنت سوسیالیسم

و "غیر خودی" بودن، "جاسوس بودن" و شاخصی برای سرکوب است. ضدیت با "یهودی تبار" جوهر راسیسم اسلامی است. ضدیت با "یهودی تبار" ها منعکس کننده تمایلات آنتی سیمیستی است که یک رگه اساسی تبلیغات فاشیستی است. در ایران البته تنها "یهودی تباری" با خطر مرگ و اتهام جاسوس آمریکا و موساد روبرو نیست، بهائی بودن و مسلمان نبودن و کمونیست بودن نیز همواره شمشیر داموکلس "مفسد فی الارض" و "ملحد" روی سرش آویزان است. علیرغم جار و جنجالهای کونه فکran سوسیالیسم اسلامی، راه توده و احمدی نژاد اینجا به هم میرسند. در واقع کل جمهوری اسلامی و موثلفین سیاسی اش با همین متر و معیار مشترک به هم میرسند. تفاوتهایشان ثانوی است، اشتراکاتشان میچرید. واقعا چه فرقی میکند که تفاوت فرقه های اسلامی در باره تبیین "ظهور امام زمان" چیست؟ این شاید روزی در دستور جانی علم بررسی چرائی مسخ بشر قرار گیرد، اما برای ما ضد دین ها و ماتریالیست ها و اته نیست ها ثانوی است. اگر باید به آن پرداخت به دلیل سمی است که امروز در قلمرو سیاست تزریق میکند.

و این استدلال ضد "یهودی تباری" راه توده و سوسیالیسم اسلامی با استدلال خود دولت اسرائیل در ماهیت یکی است. دولت نژادپرست اسرائیل هم "فلسطینی تباری" را فی النفسه جرم و "تروریست" میداند و فلسطینی را قابل کشتن آنهم بصورت مجازات دسته جمعی. همان استدلال و سیاستی که فاشیسم هیتلری در مورد یهودیان بکار برد

و افشای رقبا در جناح راست افراطی، با حساسیت ویژه ای افشا میکند که مثلا فلان مهره حکومتی از رئیس جمهوری تا آخوند فلانی تا میلیارد در فلانی "یهودی تبار" بوده است و یا با نگرانی در مورد دیگری میگوید؛ "باید امیدوار بود تبار یهودی نداشته باشد؟!؟ در این شجره شناسی تشخیص "تبار اصیل اسلامی" این و آن برای پاکسازی "خوارج" و "منزه کردن" حکومت اسلامی از "یهودی تباران"، البته استاد مورخ راه توده عبدالله شهبازی است. "یهودی تباری" تنها در بارگاه شیعه اثنا عشری و دادگاه سوسیالیسم اسلامی راه توده نیست که تحت تعقیب است، حتی بخشا در میان راستهای پنتاگون نیست و ناسیونالیست های اسلامی، وقتی میخواهند علیه نفوذ مارکس حرفی بزنند، میگویند "مارکس یهودی تبار بوده است!!" این اواخر خود جمهوری اسلامی و عوامالش در مورد منصور حکمت شایع کرده بودند که "فرزند یک خانواده متمول یهودی است!!"

اگر در چهارچوب دمکراسی غربی از "تبار" کسی یاد کنند و مثلا بگویند فلانی "ایرانی تبار" است، منظورشان ضرورتا سلب امتیازی از وی نیست و بیشتر منعکس کننده راسیسم نهادی در نظام سیاسی و اداری "اروپا محور" است که زیر سایه مولتی کالچرالیسم بعضا افسار میگسلد. اما تحت حکومت اسلامی اتهام "یهودی تبار" بلافاصله بعنوان معیاری برای تشخیص عدم صلاحیت

راه توده در میان طیف ملی اسلامی طرفدار جمهوری اسلامی پدیده جالبی است. جالب از اینرو که رکورد دار انحطاط سیاسی و چکیده انحطاط سوسیالیسم اسلامی است که تا دیروز مرید استالین و خروشچف و برژنف و موثلف جریان اسلامی خمینی بود، و امروز بیشتر از دیروز، سینه چاک "اسلام رحمانی" و "ضدیت امام خمینی با انجمن حجتیه" است.

برای یک کمونیست و مارکسیست سهل است، حتی برای یک لیبرال کلاسیک و یک سکولار لیبرال مهم نیست دستگاه دین چند صد فرقه و سکت دارد و تمایزات آنها چیست. این متدولوژی کالبد شکافی ارتجاع سیاسی تاریخا در خدمت پختن تئوری تحبیب یک جناح ارتجاع و موثلف شدن با سیاست و قدرت طبقه حاکم بوده است. بنا براین بحث برسر اختلافات سکتهای اسلامی و مذهبی را به مورخین و کارشناسان مذاهب واگذار کنیم و یادمان باشد که توده ایسم در ایران با همین دیدگاه همواره متحد جمهوری اسلامی از طریق حمایت از یک جناح آن بوده است. اینجا بحث برسر یک استدلال کهنه و پوسیده راسیستی است که مغز سوسیالیسم اسلامی راه توده و خود جمهوری اسلامی و طیفی از راستهای ناسیونالیست اسلام زده است: ضدیت با "یهودی تباری"!

راه توده در تبلیغاتش در حمایت از خمینی و بعدتر جریان دو خرداد و بعدتر موسوی و شرکا،